

کتاب تثیه

۹ و در آن وقت به شما متکلم شده، گفتم: «من به تنهایی نمی‌توانم متحمل شما باشم. ۱۰ یَهُوَه خدای شما، شما را افزوده است و اینک شما امروز مثل ستارگان آسمان کثیر هستید. ۱۱ یَهُوَه خدای پدران شما، شما را هزار چندان که هستید بیفزاید و شما را برحسب آنچه به شما گفته است، برکت دهد. ۱۲ اما من چگونگی به تنهایی متحمل محنت و بار و منازعت شما بشوم. ۱۳ پس مردان حکیم و عاقل و معروف از اسباط خود بیاورید، تا ایشان را بر شما رؤسا سازم.» ۱۴ و شما در جواب من گفتید: «سخنی که گفتم نیکو است که بکنیم.» ۱۵ پس رؤسای اسباط شما را که مردان حکیم و معروف بودند گرفته، ایشان را بر شما رؤسا ساختم، تا سروران هزاره‌ها و سروران صدها و سروران پنجاه‌ها و سروران ده‌ها و ناظران اسباط شما باشند. ۱۶ و در آنوقت داوران شما را امر کرده، گفتم: دعوای برادران خود را بشنوید، و در میان هرکس و برادرش و غریبی که نزد وی باشد به انصاف داوری نمایید. ۱۷ و در داوری طرف‌داری نکنید، کوچک را مثل بزرگ بشنوید و از روی انسان مترسید، زیرا که داوری از آن خداست، و هر دعوایی که برای شما مشکل است، نزد من بیاورید تا آن را بشنوم. ۱۸ و آن وقت همه چیزهایی را که باید بکنید، برای شما امر فرمودم.

این است سخنانی که موسی به آنطرف اردن، در بیابان عربیه مقابل سوف، در میان فاران و توفل و لابان و خضیروت و دی‌دَهَب با تمامی اسرائیل گفت. ۲ از حوریب به راه کوه سعیر تا قادیس برنیع، سفر یازده روزه است. ۳ پس در روز اول ماه یازدهم سال چهلم، موسی بنی‌اسرائیل را برحسب هرآنچه خداوند او را برای ایشان امر فرموده بود تکلم نمود، ۴ بعد از آنکه سیحون ملک اموریان را که در حَشْبُون ساکن بود و عوج ملک باشان را که در عَشْتاروت در آذریعی ساکن بود، کشته بود. ۵ به آن طرف اُزْدُن در زمین مواب، موسی به بیان کردن این شریعت شروع کرده، گفت:

دستور ترک حوریب

۶ یَهُوَه خدای ما، ما را در حوریب خطاب کرده، گفت: «توقف شما در این کوه بس شده است. ۷ پس توجه نموده، کوچ کنید و به کوهستان اموریان، و جمیع حوالی آن از عربیه و کوهستان و هامون و جنوب و کناره دریا، یعنی زمین کنعانیان و لُئنان تا نهر بزرگ که نهر فرات باشد، داخل شوید. ۸ اینک زمین را پیش روی شما گذاشتم. پس داخل شده، زمینی را که خداوند برای پدران شما، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورد که به ایشان و بعد از آنها به نسل ایشان بدهد، به تصرف آورید.»

تجسس کنعان

۱۹ پس از حوریب کوچ کرده، از تمامی این بیابان بزرگ و ترسناک که شما دیدید به راه کوهستان اموریان رفتیم، چنانکه یهوه خدای ما به ما امر فرمود و به قادیس برنیع رسیدیم. ۲۰ و به شما گفتم: «به کوهستان اموریانی که یهوه خدای ما به ما می‌دهد، رسیده‌اید. ۲۱ اینک یهوه خدای تو، این زمین را پیش روی تو گذاشته است، پس برای و چنانکه یهوه خدای پدرانت به تو گفته است، آن را به تصرف آور و ترسان و هراسان مباش.»

۲۲ آنگاه جمیع شما نزد من آمده، گفتید: «مردان چند، پیش روی خود بفرستیم تا زمین را برای ما جاسوسی نمایند، و ما را از راهی که باید برویم و از شهرهایی که به آنها می‌رویم، خبر بیاورند.» ۲۳ و این سخن مرا پسند آمد، پس دوازده نفر از شما، یعنی یکی را از هر سبط گرفتم، ۲۴ و ایشان متوجه راه شده، به کوه برآمدند و به وادی اشکول رسیده، آن را جاسوسی نمودند. ۲۵ و از میوه زمین به دست خود گرفته، آن را نزد ما آوردند، و ما را مخبر ساخته، گفتند: «زمینی که یهوه خدای ما، به ما می‌دهد، نیکوست.»

عصیان قوم

۲۶ اما شما نخواستید که بروید، بلکه از فرمان خداوند عصیان ورزیدید. ۲۷ و در خیمه‌های خود همه‌مهمه کرده، گفتید: «چونکه خداوند ما را دشمن داشت، ما را از زمین مصر بیرون آورد، تا ما را به دست اموریان تسلیم کرده، هلاک

سازد. ۲۸ و حال کجا برویم چونکه برادران ما دل ما را گذاخته، گفتند که این قوم از ما بزرگتر و بلندترند و شهرهای ایشان بزرگ و تا آسمان حصاردار است، و نیز بنی‌عناق را در آنجا دیده‌ایم.» ۲۹ پس من به شما گفتم: «مترسید و از ایشان هراسان مباشید. ۳۰ یهوه خدای شما که پیش روی شما می‌رود برای شما جنگ خواهد کرد، برحسب هرآنچه به نظر شما در مصر برای شما کرده است.» ۳۱ و هم در بیابان که در آنجا دیدید چگونه یهوه خدای تو مثل کسی که پسر خود را می‌برد تو را در تمامی راه که می‌رفتید برمی‌داشت تا به اینجا رسیدید. ۳۲ اما با وجود این، همه شما به یهوه خدای خود ایمان نیاوردید. ۳۳ که پیش روی شما در راه می‌رفت تا جایی برای نزول شما بطلبد، وقت شب در آتش تا راهی را که به آن بروید به شما بنماید و وقت روز در ابر.

۳۴ و خداوند آواز سخنان شما را شنیده، غضبناک شد، و قسم خورده، گفت: ۳۵ «هیچ کدام از این مردمان و از این طبقه شریر، آن زمین نیکو را که قسم خوردم که به پدران شما بدهم، هرگز نخواهند دید. ۳۶ سوای کالیب پسر یفنه که آن را خواهد دید و زمینی را که در آن رفته بود، به وی و به پسرانش خواهم داد، چونکه خداوند را پیروی کامل نمود.» ۳۷ و خداوند به خاطر شما بر من نیز خشم نموده، گفت که «تو هم داخل آنجا نخواهی شد. ۳۸ یوشع پسر نون که بحضور تو می‌ایستد داخل آنجا خواهد شد. پس او را قوی گردان زیرا اوست که آن را برای بنی اسرائیل تقسیم خواهد نمود. ۳۹ و اطفال شما

زدن شما به این کوه بس است؛ به سوی شمال برگردید. ^۴ و قوم را امر فرموده، بگو که شما از حدود برادران خود بنی عیسو که در سعیر ساکنند باید بگذرید، و ایشان از شما خواهند ترسید، پس بسیار احتیاط کنید. ^۵ و با ایشان منازعه نکنید، زیرا که از زمین ایشان به قدر کف پایی هم به شما نخواهم داد، چونکه کوه سعیر را به عیسو به ملکیت داده‌ام. ^۶ خوراک را از ایشان به نقره خریده، بخورید و آب را نیز از ایشان به نقره خریده، بنوشید. ^۷ زیرا که یهوه خدای تو، تو را در همه کارهای دستت برکت داده است، او راه رفتنت را در این بیابان بزرگ می‌داند، الآن چهل سال است که یهوه خدایت با تو بوده است و به هیچ چیز محتاج نشده‌ای. ^۸ پس از برادران خود بنی عیسو که در سعیر ساکنند، از راه عربه از ایلت و عصیون جابر عبور نمودیم.

^۹ پس برگشته، از راه بیابان موآب گذشتیم، و خداوند مرا گفت: «موآب را اذیت مرسان و با ایشان منازعت و جنگ منما، زیرا که از زمین ایشان هیچ نصیبی به شما نخواهم داد، چونکه عار را به بنی لوط برای ملکیت داده‌ام. ^{۱۰} ای میان که قوم عظیم و کثیر و بلند قدم مثل عناقیان بودند، پیش در آنجا سکونت داشتند. ^{۱۱} ایشان نیز مثل عناقیان از رفائیان محسوب بودند، اما موآبیان ایشان را ای میان می‌خوانند. ^{۱۲} و حوریان در سعیر پیشتر ساکن بودند، و بنی عیسو ایشان را اخراج نموده، ایشان را از پیش روی خود هلاک ساختند، و در جای ایشان ساکن شدند، چنانکه اسرائیل به زمین میراث خود که خداوند به ایشان داده بود، کردند. ^{۱۳} الآن برخیزید و از وادی زارد

که درباره آنها گفتید که به یغما خواهند رفت، و پسران شما که امروز نیک و بد را تشخیص نمی‌دهند، داخل آنجا خواهند شد، و آن را به ایشان خواهم داد تا مالک آن بشوند. ^{۴۰} و اما شما روگردانیده، از راه دریای سرخ به بیابان کوچ کنید.»

^{۴۱} و شما در جواب من گفتید که «به خداوند گناه ورزیده‌ایم؛ پس رفته، جنگ خواهیم کرد، موافق هر آنچه یهوه خدای ما به ما امر فرموده است. و همه شما اسلحه جنگ خود را بسته، عزیمت کردید که به کوه برآیید. ^{۴۲} آنگاه خداوند به من گفت: «به ایشان بگو که نروند و جنگ منمایند زیرا که من در میان شما نیستم، مبادا از حضور دشمنان خود مغلوب شوید.» ^{۴۳} پس به شما گفتم، اما نشنیدید، بلکه از فرمان خداوند عصیان ورزیدید، و مغرور شده، به فراز کوه برآمدید. ^{۴۴} و اموریانی که در آن کوه ساکن بودند به مقابله شما بیرون آمده، شما را تعاقب نمودند، بطوری که زنبورها می‌کنند و شما را از سعیر تا حُرما شکست دادند. ^{۴۵} پس برگشته، به حضور خداوند گریه نمودید، اما خداوند آواز شما را نشنید و به شما گوش نداد. ^{۴۶} و در قدامتِ برحسب ایام توقّف خود، روزهای بسیار ماندید.

سرگردانی در بیابان

۲ پس برگشته، چنانکه خداوند به من گفته بود، از راه بحر قلزم در بیابان کوچ کردیم و روزهای بسیار کوه سعیر را دور زدیم. ^۲ پس خداوند مرا خطاب کرده، گفت: ^۳ «دور

عبور نمایند. پس از وادی زارد عبور نمودیم. ۱۴ و ایامی که از قادش برنوع راه می‌رفتیم تا از وادی زارد عبور نمودیم سی و هشت سال بود، تا تمامی آن طبقه مردان جنگی از میان اردو تمام شدند، چنانکه خداوند برای ایشان قسم خورده بود. ۱۵ و دست خداوند نیز بر ایشان می‌بود تا ایشان را از میان اردو بالکل هلاک کند.

۱۶ پس چون جمیع مردان جنگی از میان قوم بالکل مردند، ۱۷ آنگاه خداوند مرا خطاب کرده، گفت: ۱۸ «تو امروز از عار که سرحد موآب باشد، باید بگذری. ۱۹ و چون به مقابل بنی‌عمون برسی ایشان را مرنجان و با ایشان منازعه مکن، زیرا که از زمین بنی‌عمون نصیبی به تو نخواهم داد چونکه آن را به بنی‌لوط به ملکیت داده‌ام. ۲۰ (آن نیز زمین رفائیان شمرده می‌شود و رفائیان پیشتر ساکن آنجا بودند، اما عمونیان ایشان را زمرئیان می‌خوانند. ۲۱ ایشان قومی عظیم و کثیر و بلند قدم مثل عناقیان بودند، و خداوند آنها را از پیش روی ایشان هلاک کرد، پس ایشان را اخراج نموده، در جای ایشان ساکن شدند. ۲۲ چنانکه برای بنی‌عیسو که در سعیر ساکنند عمل نموده، حوریان را از حضور ایشان هلاک ساخته، آنها را اخراج نمودند، و تا امروز در جای ایشان ساکنند. ۲۳ و عویان را که در دهات تا به غزآ ساکن بودند کفتوریان که از کفتور بیرون آمدند هلاک ساخته، در جای ایشان ساکن شدند. ۲۴ پس برخیزید و کوچ کرده، از وادی آرتون عبور کنید، اینک سیحون اموری ملک حشبنون و زمین او را به دست تو دادم، به تصرف آن شروع کن و با ایشان جنگ

پیروزی بر حشبنون

۲۶ پس قاصدان با سخنان صلح‌آمیز از بیابان قدیموت نزد سیحون ملک حشبنون فرستاده، گفتم: ۲۷ «اجازت بده که از زمین تو بگذرم، به شاهراه خواهیم رفت و به طرف راست یا چپ میل نخواهم کرد. ۲۸ خوراک را به نقره به من بفروش تا بخورم، و آب را به نقره به من بده تا بنوشم، فقط اجازت بده تا بر پایهای خود بگذرم. ۲۹ چنانکه بنی‌عیسو که در سعیر ساکنند و موآبیان که در عار ساکنند به من رفتار نمودند، تا از اُردُن به زمینی که یهوه خدای ما به ما می‌دهد، عبور نمایم.» ۳۰ اما سیحون ملک حشبنون نخواست که ما را از سرحد خود راه بدهد، زیرا که یهوه خدای توروح او را به قساوت و دل‌او را به سختی وا گذاشت، تا او را چنانکه امروز شده است، به دست تو تسلیم نماید.

۳۱ و خداوند مرا گفت: «اینک به تسلیم نمودن سیحون و زمین او به دست تو شروع کردم، پس بنا به تصرف آن بنما تا زمین او را مالک شوی.» ۳۲ آنگاه سیحون با تمامی قوم خود به مقابله ما برای جنگ کردن در یاهص بیرون آمدند. ۳۳ و یهوه خدای ما او را به دست ما تسلیم نموده، او را با پسرانش و جمیع قومش زدیم. ۳۴ و تمامی شهرهای او را در آنوقت

و اطفال هلاک ساختیم.^۷ و تمامی چهار پایان و غنیمت شهرها را برای خود به غارت بردیم.^۸ و در آن وقت زمین را از دست دو مَلِکِ اموریان که به آن طرف اَزْدُن بودند، از وادی اَزْدُن تا کوه حرمون، گرفتیم.^۹ (و این حرمون را صیدونیان سِرْیون می خوانند و اموریان آن را سِنیر می خوانند).^{۱۰} تمام شهرهای هامون و تمامی جلعاد و تمامی باشان تا سَلْحَه و اَدْرَعی که شهرهای مملکت عوج در باشان بود.^{۱۱} زیرا که عوج ملک باشان از بقیّه رفائیان تنها باقی مانده بود. اینک تخت خواب او تخت آهنین است آیا آن در رِبْت بنی عمّون نیست. و طولش نه ذراع و عرضش چهار ذراع بر حسب ذراع آدمی می باشد.

تقسیم اراضی

^{۱۲} و این زمین را در آن وقت به تصرف آوردیم، و آن را از عروغیر که برکنار وادی ارنون است و نصف کوهستان جلعاد و شهرهایش را به رؤبینیان و جداییان دادم.^{۱۳} و بقیّه جلعاد و تمامی باشان را که مملکت عوج باشد، به نصف سبط منسی دادم، یعنی تمامی مرزبوم ارجوب را با تمامی باشان که زمین رفائیان نامیده می شود.^{۱۴} یاثیر پسر منسی تمامی مرزبوم ارجوب را تا حدّ جَشوریان و مَعْکیان گرفت، و آنها را تا امروز به اسم خود باشان، حَوْت یاثیر نامید.^{۱۵} و جلعاد را به ماکییر دادم.^{۱۶} و به رؤبینیان و جداییان، از جلعاد تا وادی ارنون، هم وسط وادی و هم کناره اش تا وادی یَبوق را که حد بنی عمّون باشد، دادم.^{۱۷} و عَرَبَه را نیز و اَزْدُن و کناره اش را

گرفته، مردان و زنان و اطفال هر شهر را هلاک کردیم که یکی را باقی نگذاشتیم.^{۳۵} اما چهار پایان را با غنیمت شهرهایی که گرفته بودیم، برای خود به غارت بردیم.^{۳۶} از عروغیر که برکناره وادی اَزْنون است، و شهری که در وادی است، تا جلعاد قریه ای نبود که به ما ممتنع باشد، یَهُوه خدای ما همه را به ما تسلیم نمود.^{۳۷} اما به زمین بنی عمّون و به تمامی کناره وادی یَبوق و شهرهای کوهستان، و به هر جایی که یَهُوه خدای ما نهی فرموده بود، نزدیک نشدیم.

پیروزی بر باشان

۳ پس برگشته، به راه باشان رفتیم، و عوج ملک باشان با تمامی قوم خود به مقابله ما بیرون آمده، در اَدْرَعی جنگ کرد.^۲ و خداوند مرا گفت: «از او مترس زیرا که او و تمامی قومش و زمینش را به دست تو تسلیم نموده ام، تا بطوری که با سیحون ملک اموریان که در حشبون ساکن بود، عمل نمودی، با وی نیز عمل نمایی.»^۳ پس یَهُوه، خدای ما، عوج ملک باشان را نیز و تمامی قومش را به دست ما تسلیم نموده، او را به حدی شکست دادیم که احدی از برای وی باقی نماند.^۴ و در آنوقت همه شهرهایش را گرفتیم، و شهری نماند که از ایشان نگرفتیم، یعنی شصت شهر و تمامی مرزبوم ارجوب که مملکت عوج در باشان بود.^۵ جمیع اینها شهرهای حصاردار با دیوارهای بلند و دروازه ها و پشت بندها بود، سوای قَرای بی حصار بسیار کثیر.^۶ و آنها را بالکل هلاک کردیم، چنانکه با سیحون، ملک حشبون کرده بودیم؛ هر شهر را با مردان و زنان

من غضبناک شده، مرا اجابت نمود و خداوند مرا گفت: «تو را کافی است. بار دیگر درباره این امر با من سخن مگو. ۲۷ به قله فُشَجِه برای و چشمان خود را به طرف مغرب و شمال و جنوب و مشرق بلند کرده، به چشمان خود ببین، زیرا که از این اُزْدُن نخواستی گذشت. ۲۸ اما یوشع را امر فرموده، او را دلیر و قوی گردان، زیرا که او پیش این قوم عبور نموده، زمینی را که تو خواهی دید، برای ایشان تقسیم خواهد نمود.» ۲۹ پس در درّه، در برابر بیت فُغُور توقف نمودیم.

فرمان اطاعت

۴ پس الآن ای اسرائیل، فریاض و احکامی را که من به شما تعلیم می‌دهم تا آنها را به جا آورید بشنوید، تا زنده بمانید و داخل شده، زمینی را که یهوه، خدای پدران شما، به شما می‌دهد به تصرف آورید. ۲ بر کلامی که من به شما امر می‌فرمایم چیزی میفزایید و چیزی از آن کم ننمایید، تا اوامر یهوه خدای خود را که به شما امر می‌فرمایم، نگاه دارید. ۳ چشمان شما آنچه را خداوند در بعل فغور کرد دید، زیرا هر که پیروی بعل فغور کرد، یهوه خدای تو، او را از میان تو هلاک ساخت. ۴ اما جمیع شما که به یهوه خدای خود مخلص شدید، امروز زنده ماندید.

۵ اینک چنانکه یهوه، خدایم، مرا امر فرموده است، فریاض و احکام به شما تعلیم نمودم، تا در زمینی که شما داخل آن شده، به تصرف می‌آورید، چنان عمل نمایید. ۶ پس آنها را نگاه داشته، به جا آورید زیرا که این حکمت و فهم

از کثرت تا دریای عربی که بحرالمح باشد، زیر دامنه‌های فُشَجِه به طرف مشرق دادم.

۱۸ و در آن وقت به شما امر فرموده، گفتم: «یهوه خدای شما این زمین را به شما داده است تا آن را به تصرف آورید؛ پس جمیع مردان جنگی شما مهیا شده، پیش روی برادران خود، بنی اسرائیل، عبور کنید. ۱۹ اما زنان و اطفال و مویشی شما، چونکه می‌دانم مویشی بسیار دارید، در شهرهای شما که به شما دادم، بمانند، ۲۰ تا خداوند به برادران شما مثل شما آرامی دهد، و ایشان نیز زمینی را که یهوه خدای شما به آنطرف اُزْدُن به ایشان می‌دهد، به تصرف آورند؛ آنگاه هر یکی از شما به ملک خود که به شما دادم، برگردد.» ۲۱ و در آن وقت یوشع را امر فرموده، گفتم: «هرآنچه یهوه، خدای شما، به این دو پادشاه کرده است، چشمان تو دید. پس خداوند با تمامی ممالکی که به سوی آنها عبور می‌کنی، چنین خواهد کرد. ۲۲ از ایشان مترسید زیرا که یهوه خدای شماست که برای شما جنگ می‌کند.»

منع ورود موسی به کنعان

۲۳ و در آنوقت نزد خداوند استغاثه کرده، گفتم: ۲۴ «ای خداوند یهوه تو به نشان دادن عظمت و دست قوی خود به بنده‌ات شروع کرده‌ای، زیرا کدام خداست در آسمان یا در زمین که مثل اعمال و جبروت تو می‌تواند عمل نماید. ۲۵ تمنا اینکه عبور نمایم و زمین نیکو را که به آنطرف اُزْدُن است و این کوه نیکو و بُئنان را ببینم.» ۲۶ اما خداوند به خاطر شما با

منع بت پرستی

۱۵ پس خویشتن را بسیار متوجه باشید، زیرا در روزی که خداوند با شما در حوریب از میان آتش تکلم می نمود، هیچ صورتی ندیدید. ۱۶ مبادا فاسد شوید و برای خود صورت تراشیده، یا تمثال هر شکلی از شبیه ذکور یا اناث بسازید، ۱۷ یا شبیه هر چهار پایی که بر روی زمین است، یا شبیه هر مرغ بالدار که در آسمان می پرد، ۱۸ یا شبیه هر خزنده ای بر زمین یا شبیه هر ماهی ای که در آبهای زیر زمین است. ۱۹ و مبادا چشمان خود را به سوی آسمان بلند کنی، و آفتاب و ماه و ستارگان و جمیع لشکرهای آسمان را دیده، فریفته شوی و سجده کرده، آنها را که یهوه خدایت برای تمامی قومهایی که زیر تمام آسمانند، تقسیم کرده است، عبادت نمایی. ۲۰ اما خداوند شما را گرفته، از کوره آهن از مصر بیرون آورد تا برای او قوم میراث باشید، چنانکه امروز هستید.

۲۱ و خداوند به خاطر شما بر من غضبناک شده، قسم خورد که از اُزْدُن عبور نکنم و به آن زمین نیکو که یهوه خدایت به تو برای ملکیت می دهد، داخل نشوم. ۲۲ بلکه من در این زمین خواهم مرد و از اُزْدُن عبور نخواهم کرد؛ اما شما عبور خواهید کرد، و آن زمین نیکو را به تصرف خواهید آورد. ۲۳ پس احتیاط نمایید، مبادا عهد یهوه، خدای خود را که با شما بسته است فراموش نمایید، و صورت تراشیده یا شبیه هر چیزی که یهوه خدایت به تو نهی کرده است، برای خود بسازی. ۲۴ زیرا که یهوه خدایت آتش سوزنده و خدای غیور است.

شماست، در نظر قومهایی که چون این فرایض را بشنوند، خواهند گفت: «به راستی این طایفه ای بزرگ، قوم حکیم، و فهیمی هستند.» ۷ زیرا کلام قوم بزرگ است که خدا نزدیک ایشان باشد چنانکه یهوه، خدای ما است، در هر وقت که نزد او دعا می کنیم؟ ۸ و کدام طایفه بزرگ است که فرایض و احکام عادلای مثل تمام این شریعتی که من امروز پیش شما می گذارم، دارند؟ ۹ اما احتراز نما و خویشتن را بسیار متوجه باش، مبادا این چیزهایی را که چشمانت دیده است فراموش کنی و مبادا اینها در تمامی ایام عمرت از دل تو محو شود، بلکه آنها را به پسرانت و پسران پسرانت تعلیم ده. ۱۰ در روزی که در حضور یهوه خدای خود در حوریب ایستاده بودی و خداوند به من گفت: «قوم را نزد من جمع کن تا کلمات خود را به ایشان بشنوانم، تا بیاموزند که در تمامی روزهایی که بر روی زمین زنده باشند از من بترسند، و پسران خود را تعلیم دهند.» ۱۱ و شما نزدیک آمده، زیر کوه ایستادید؛ و کوه تا به وسط آسمان به آتش و تاریکی و ابرها و ظلمت غلیظ می سوخت. ۱۲ و خداوند با شما از میان آتش متکلم شد، و شما آواز کلمات را شنیدید، اما صورتی ندیدید، بلکه فقط آواز را شنیدید. ۱۳ و عهد خود را که شما را به نگاه داشتن آن مأمور فرمود، برای شما بیان کرد، یعنی ده کلمه را و آنها را بر دو لوح سنگ نوشت. ۱۴ و خداوند مرا در آنوقت امر فرمود که فرایض و احکام را به شما تعلیم دهم، تا آنها را در زمینی که برای تصرفش به آن عبور می کنید، به جا آورید.

راکه از میان آتش متکلم شود، شنیده باشند و زنده بمانند، چنانکه تو شنیدی؟^{۳۴} و آیا خدا عزیمت کرد که برود و قومی برای خود از میان قوم دیگر بگیرد با تجربه‌ها و آیات و معجزات و جنگ و دست قوی و بازوی دراز شده و ترسهای عظیم، موافق هر آنچه یهوه خدای شما برای شما در مصر در نظر شما به عمل آورد؟^{۳۵} این بر تو ظاهر شد تا بدانی که یهوه خداست و غیر از او دیگری نیست.^{۳۶} از آسمان آواز خود را به تو شنواید تا تو را تأدیب نماید، و بر زمین آتش عظیم خود را به تو نشان داد و کلام او را از میان آتش شنیدی.^{۳۷} و از این جهت که پدران تو را دوست داشته، نسل ایشان را بعد از ایشان برگزیده بود، تو را به حضرت خود با قوت عظیم از مصر بیرون آورد.^{۳۸} تا امت‌های بزرگتر و عظیم‌تر از تو را پیش روی تو بیرون نماید و تو را در آورده، زمین ایشان را برای ملکیت به تو دهد، چنانکه امروز شده است.^{۳۹} بنابراین امروز بدان و در دل خود نگاه دار که یهوه خداست، بالا در آسمان و پایین بر روی زمین و دیگری نیست.^{۴۰} و فرایض و اوامر او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم نگاهدار، تا تو را و بعد از تو فرزندان تو را نیکو باشد و تا روزهای خود را بر زمینی که یهوه خدایت به تو می‌دهد تا به ابد طویل نمایی.

شهرهای ملجأ

^{۴۱} آنگاه موسی سه شهر به آن طرف اُردُن به سوی مشرق آفتاب جدا کرد.^{۴۲} تا قاتلی که همسایه خود را نادانسته کشته باشد و بیشتر با وی بغض نداشته به آنها فرار کند، و به یکی از

^{۲۵} چون پسران و پسرانِ پسران را تولید نموده، و در زمین مدتی ساکن باشید، اگر فاسد شده، صورت تراشیده، و شبیه هر چیزی را بسازید و آنچه در نظر یهوه خدای شما بد است به جا آورده، او را غضبناک سازید،^{۲۶} آسمان و زمین را امروز بر شما شاهد می‌آورم که از آن زمینی که برای تصرف آن از اُردُن به سوی آن عبور می‌کنید، البته هلاک خواهید شد و روزهای خود را در آن طویل نخواهید ساخت، بلکه بالکل هلاک خواهید شد.^{۲۷} و خداوند شما را در میان قومها پراکنده خواهد نمود، و شما در میان طوایفی که خداوند شما را به آنجا می‌برد، قلیل‌العدد خواهید ماند.^{۲۸} و در آنجا خدایان ساخته شده دست انسان از چوب و سنگ را عبادت خواهید کرد، که نمی‌بینند و نمی‌شنوند و نمی‌خورند و نمی‌بویند.^{۲۹} اما اگر از آنجا یهوه خدای خود را بطلبی، او را خواهی یافت، به شرطی که او را به تمامی دل و به تمامی جان خود تفحص نمایی.^{۳۰} چون در تنگی گرفتار شوی، و جمیع این وقایع بر تو عارض شود، در ایام آخر به سوی یهوه خدای خود برگشته، آواز او را خواهی شنید.^{۳۱} زیرا که یهوه خدای تو خدای رحیم است؛ تو را ترک نخواهد کرد و تو را هلاک نخواهد نمود، و عهد پدران را که برای ایشان قسم خورده بود، فراموش نخواهد کرد.

^{۳۲} زیرا که از ایام پیشین که قبل از تو بوده است، از روزی که خدا آدم را بر زمین آفرید، و از یک کناره آسمان تا به کناره دیگر بپرس که آیا مثل این امر عظیم واقع شده یا مثل این شنیده شده است؟^{۳۳} آیا قومی هرگز آواز خدا

با شما روبرو متکلم شد. ۵ (من در آن وقت میان خداوند و شما ایستاده بودم، تا کلام خداوند را برای شما بیان کنم، زیرا که شما به سبب آتش می ترسیدید و به فراز کوه برنیامدید) و گفت:

۶ «من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آوردم. ۷ تو را به حضور من خدایان دیگر نباشند.»

۸ «به جهت خود صورت تراشیده یا هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان، یا از آنچه پایین در زمین، یا از آنچه در آبهای زیر زمین است مساز. ۹ آنها را سجده و عبادت منما. زیرا من که یهوه خدای تو هستم، خدای غیورم، و گناه پدران را بر پسران تا پشت سوم و چهارم از اتانی که مرا دشمن دارند، می رسانم. ۱۰ و رحمت می کنم تا هزار پشت بر اتانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند.»

۱۱ «نام یهوه خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که نام او را به باطل برد، بی گناه نخواهد شمرد.»

۱۲ «روز سبت را نگاه دار و آن را تقدیس نما، چنانکه یهوه خدایت به تو امر فرموده است. ۱۳ شش روز مشغول باش و هرکار خود را بکن. ۱۴ اما روز هفتمین سبت یهوه خدای توست. در آن هیچ کاری مکن، تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و گاوت و الاغت و همه چهار پایانت و مهمانت که در اندرون دروازه های تو باشد، تا غلامت و کنیزت مثل تو آرام گیرند. ۱۵ و به یاد آور که در زمین مصر غلام بودی، و یهوه خدایت تو را به دست قوی و بازوی دراز از آنجا بیرون آورد. بنابراین یهوه، خدایت، تو را

این شهرها فرار کرده، زنده ماند. ۴۳ یعنی باصر در بیابان، در زمین همواری به جهت رؤیبنیان، و راموت در جلعاد به جهت جادیان، و جولان در باشان به جهت منسیان.

شریعت

۴۴ و این است شریعتی که موسی پیش روی بنی اسرائیل نهاد. ۴۵ این است شهادت و فرایض و احکامی که موسی به بنی اسرائیل گفت، وقتی که ایشان از مصر بیرون آمدند، ۴۶ به آنطرف اُردُن در درّه مقابل بیت فغور در زمین سیحون، ملک اموریان که در حشبون ساکن بود، و موسی و بنی اسرائیل چون از مصر بیرون آمده بودند او را مغلوب ساختند، ۴۷ و زمین او را و زمین عوج ملک باشان را، دو ملک اموریانی که به آنطرف اُردُن به سوی مشرق آفتاب بودند، به تصرف آوردند، ۴۸ از عروعر که بر کناره وادی اُزنون است تا کوه سیئون که حرمون باشد، ۴۹ و تمامی عربّه به آنطرف اُردُن به سوی مشرق تا دریای عربّه زیر دامنه های فسّجه.

ده فرمان

و موسی تمامی بنی اسرائیل را خوانده، ۵ به ایشان گفت: ای اسرائیل فرایض و احکامی را که من امروز به گوش شما می گویم بشنوید، تا آنها را یاد گرفته، متوجه باشید که آنها را به جا آورید. ۲ یهوه خدای ما با ما در حوریب عهد بست. ۳ خداوند این عهد را با پدران ما نسبت، بلکه با ما که جمیعاً امروز در اینجا زنده هستیم. ۴ خداوند در کوه از میان آتش

امر فرموده است که روز سَبَّت را نگاه داری.»
 ۱۶ «پدر و مادر خود را حرمت دار، چنانکه
 یَهُوه خدایت تو را امر فرموده است، تا روزهایت
 دراز شود و تو را در زمینی که یَهُوه خدایت به تو
 می‌بخشد، نیکویی باشد.»

۱۷ «قتل مکن. ۱۸. و زنا مکن. ۱۹. و دزدی مکن.
 ۲۰ و بر همسایه خود شهادت دروغ مده. ۲۱ و بر
 زن همسایه‌ات طمع موز، و به خانه همسایه‌ات
 و به مزرعه او و به غلامش و کنیزش و گاوش و
 الاغش و به هرچه از آن همسایه تو باشد، طمع
 مکن.»

۲۲ این سخنان را خداوند به تمامی جماعت
 شما در کوه از میان آتش و ابر و ظلمت غلیظ به
 آواز بلند گفت، و بر آنها چیزی نیفزود و آنها را
 بر دو لوح سنگ نوشته، به من داد. ۲۳ و چون
 شما آن آواز را از میان تاریکی شنیدید، و کوه به
 آتش می‌سوخت، شما با جمیع رؤسای اسباط و
 مشایخ خود نزد من آمده، ۲۴ گفتید: اینک یَهُوه،
 خدای ما، جلال و عظمت خود را بر ما ظاهر
 کرده است، و آواز او را از میان آتش شنیدیم؛

پس امروز دیدیم که خدا با انسان سخن می‌گوید
 و زنده است. ۲۵ و اما الآن چرا بمیریم زیرا که این
 آتش عظیم ما را خواهد سوخت؛ اگر آواز یَهُوه
 خدای خود را دیگر بشنویم، خواهیم مُرد. ۲۶ زیرا
 از تمامی بشر کیست که مثل ما آواز خدای حی
 را که از میان آتش سخن گوید، بشنود و زنده
 ماند؟ ۲۷ تو نزدیک برو و هرآنچه یَهُوه خدای ما
 بگوید، بشنو و هرآنچه یَهُوه خدای ما به تو بگوید
 برای ما بیان کن، پس خواهیم شنید و به عمل

خواهیم آورد.

۲۸ و خداوند آواز سخنان شما را که به
 من گفتید شنید، و خداوند مرا گفت: «آواز
 سخنان این قوم را که به تو گفتند، شنیدم؛ هرچه
 گفتند نیکو گفتند. ۲۹ کاش که دلی را مثل این
 داشتند تا از من می‌ترسیدند، و تمامی اوامر
 مرا در هر وقت به جا می‌آوردند، تا ایشان را و
 فرزندان ایشان را تا به ابد نیکو باشد. ۳۰ برو و
 ایشان را بگو به خیمه‌های خود برگردید. ۳۱ و اما
 تو در اینجا پیش من بایست، تا جمیع اوامر و
 فرایض و احکامی را که می‌باید به ایشان تعلیم
 دهی به تو بگویم، و آنها را در زمینی که من به
 ایشان می‌دهم تا در آن تصرف نمایند، به جا
 آورند.»

۳۲ پس توجه نمایید تا آنچه یَهُوه، خدای شما،
 به شما امر فرموده است، به عمل آورید، و به
 راست و چپ انحراف ننمایید. ۳۳ در تمامی آن
 طریقی که یَهُوه، خدای شما، به شما امر فرموده
 است، سلوک نمایید، تا برای شما نیکو باشد و
 ایام خود را در زمینی که به تصرف خواهید آورد،
 طویل نمایید.

محبت و اطاعت خداوند

و این است اوامر و فرایض و احکامی
 که یَهُوه، خدای شما، امر فرمود که به
 شما تعلیم داده شود، تا آنها را در زمینی که
 شما به سوی آن برای تصرف عبور می‌کنید،
 به جا آورید. ۲ و تا از یَهُوه خدای خود ترسان
 شده، جمیع فرایض و اوامر او را که من به شما

در میان تو خدای غیور است، مبدا غضب یهوه، خدایت، بر تو افروخته شود، و تو را از روی زمین هلاک سازد.

۱۶ یهوه خدای خود را میازماید، چنانکه او را در مسا آزمودید. ۱۷ توجه نمایید تا او امر یهوه خدای خود را و شهادت و فرایض او را که به شما امر فرموده است، نگاه دارید. ۱۸ و آنچه در نظر خداوند راست و نیکوست، به عمل آور تا برای تو نیکو شود، و داخل شده آن زمین نیکو را که خداوند برای پدران تو قسم خورد به تصرف آوری. ۱۹ و تا جمیع دشمنان را از حضورت اخراج نماید، چنانکه خداوند گفته است.

۲۰ چون پسر تو در ایام آینده از تو سؤال نموده، گوید که مراد از این شهادت و فرایض و احکامی که یهوه خدای ما به شما امر فرموده است، چیست؟ ۲۱ پس به پسر خود بگو: ما در مصر غلام فرعون بودیم، و خداوند ما را از مصر با دست قوی بیرون آورد. ۲۲ و خداوند آیات و معجزات عظیم و هولناک بر مصر و فرعون و تمامی اهل خانه او در نظر ما ظاهر ساخت. ۲۳ و ما را از آنجا بیرون آورد تا ما را به زمینی که برای پدران ما قسم خورد که به ما بدهد، در آورد. ۲۴ و خداوند ما را مأمور داشت که تمام این فرایض را به جا آورده، از یهوه خدای خود بترسیم، تا برای ما همیشه نیکو باشد و ما را زنده نگاه دارد، چنانکه تا امروز شده است. ۲۵ و برای ما عدالت خواهد بود که متوجه شویم که جمیع این اوامر را به حضور یهوه خدای خود به جا آوریم، چنانکه ما را امر فرموده است.

امر می فرمایم نگاه داری، تو و پسرت و پسر پسرت، در تمامی ایام عمرت و تا عمر تو دراز شود. ۳ پس ای اسرائیل بشنو، و به عمل نمودن آن متوجه باش، تا برای تو نیکو باشد، و بسیار افزوده شوی در زمینی که به شیر و شهد جاری است، چنانکه یهوه خدای پدران تو را وعده داده است.

۴ ای اسرائیل بشنو، یهوه، خدای ما، یهوه واحد است. ۵ پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما. ۶ و این سخنانی که من امروز تو را امر می فرمایم، بر دل تو باشد. ۷ و آنها را به پسرانت به دقت تعلیم نما، و حین نشستنت در خانه، و رفتنت به راه، و وقت خوابیدن و برخاستنت از آنها گفتگو نما. ۸ و آنها را بردست خود برای علامت ببند، و در میان چشمانت عصابه باشد. ۹ و آنها را بر باهوهای در خانهات و بر دروازه هایت بنویس.

۱۰ و چون یهوه، خدایت، تو را به زمینی که برای پدرانت ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورد که به تو بدهد، در آورد، به شهرهای بزرگ و خوشنمایی که تو بنا نکرده ای، ۱۱ و به خانه های پراز هر چیز نیکو که پر نکرده ای، و حوضهای کنده شده ای که نکرده ای، و تاکستانها و باغهای زیتونی که غرس ننموده ای، و از آنها خورده، سیر شدی، ۱۲ آنگاه با حذر باش مبدا خداوند را که تو را از زمین مصر، از خانه بندگی بیرون آورد، فراموش کنی. ۱۳ از یهوه خدای خود بترس و او را عبادت نما و به نام او قسم بخور. ۱۴ خدایان دیگر را از خدایان طوایفی که به اطراف تو می باشند، پیروی ننماید. ۱۵ زیرا یهوه خدای تو

تصرف امت‌ها

۷ چون یَهُوه، خدایت، تو را به زمینی که برای تصرفش به آنجا می‌روی درآورد، و امت‌های بسیار را که حِیتان و جِرْجاشیان و اموریان و کنعانیان و فرِزیان و حوِیان و ییُوسیان، هفت امت بزرگتر و عظیم‌تر از تو باشند، از پیش تو اخراج نماید. ۲ و چون یَهُوه خدایت، ایشان را به دست تو تسلیم نماید، و تو ایشان را مغلوب سازی، آنگاه ایشان را بالکُلّ هلاک کن، و با ایشان عهد مبند و بر ایشان ترحم منما. ۳ و با ایشان مصاهرت منما؛ دختر خود را به پسر ایشان مده، و دختر ایشان را برای پسر خود بگیر. ۴ زیرا که اولاد تو را از متابعت من برخواهند گردانید، تا خدایان غیر را عبادت نمایند، و غضب خداوند بر شما افروخته شده، شما را بزودی هلاک خواهد ساخت. ۵ بلکه با ایشان چنین عمل نمایید؛ مذبحهای ایشان را منهدم سازید، و تمثالهای ایشان را بشکنید و اشیریم ایشان را قطع نمایید، و بُت‌های تراشیده ایشان را به آتش بسوزانید. ۶ زیرا که تو برای یَهُوه، خدایت، قوم مقدس هستی. یَهُوه خدایت تو را برگزیده است تا از جمیع قومهایی که بر روی زمین‌اند، قوم مخصوص برای خود او باشی.

۷ خداوند دل خود را با شما نبست و شما را برنگزید از این سبب که از سایر قوما کثیرتر بودید، زیرا که شما از همه قوما قلیل‌تر بودید. ۸ اما از این جهت که خداوند شما را دوست می‌داشت، و می‌خواست قسم خود را که برای پدران شما خورده بود، به جا آورد. پس خداوند

شما را با دست قوی بیرون آورد، و از خانه بندگی از دست فرعون، پادشاه مصر، فدیة داد. ۹ پس بدان که یَهُوه، خدای تو، اوست خدا، خدای امین که عهد و رحمت خود را با آتانی که او را دوست می‌دارند و اوامر او را به جا می‌آورند تا هزار پشت نگاه می‌دارد. ۱۰ و آتانی را که او را دشمن دارند، بر روی ایشان مکافات رسانیده، ایشان را هلاک می‌سازد. و به هر که او را دشمن دارد، تأخیر نموده، او را بر رویش مکافات خواهد رسانید. ۱۱ پس اوامر و فرایض و احکامی را که من امروز به جهت عمل نمودن به تو امر می‌فرمایم، نگاه دار.

۱۲ پس اگر این احکام را بشنوید و آنها را نگاه داشته، به جا آورید، آنگاه یَهُوه خدایت عهد و رحمت را که برای پدرانت قسم خورده است، با تو نگاه خواهد داشت. ۱۳ و تو را دوست داشته، برکت خواهد داد، و خواهد افزود، و میوه بطن تو و میوه زمین تو را و غله و شیره و روغن تو را و نتایج رمه تو را و بچه‌های گله تو را، در زمینی که برای پدرانت قسم خورد که به تو بدهد، برکت خواهد داد. ۱۴ از همه قوما مبارک‌تر خواهی شد، و در میان شما و چهار پایان شما، نریا ماده، نازاد نخواهد بود. ۱۵ و خداوند هر بیماری را از تو دور خواهد کرد، و هیچکدام از مرضهای بد مصر را که می‌دانی، بر تو عارض نخواهد گردانید، بلکه بر تمامی دشمنانت آنها را خواهد آورد. ۱۶ و تمامی قوما را که یَهُوه به دست تو تسلیم می‌کند هلاک ساخته، چشم تو بر آنها ترحم ننماید، و خدایان ایشان را عبادت منما، مبادا برای تو دام باشد.

حفظ اوامر خداوند

تمامی اوامری را که من امروز به شما امر می‌فرمایم، حفظ داشته، به جا آورید، تا زنده مانده، زیاد شوید، و به زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورده بود، داخل شده، در آن تصرف نمایید.^۲ و به یاد آور تمامی راه را که یهوه، خدایت، تو را این چهل سال در بیابان رهبری نمود تا تو را دلیل ساخته، بیازماید، و آنچه را که در دل تو است بداند، که آیا اوامر او را نگاه خواهی داشت یا نه.^۳ و او تو را دلیل و گرسنه ساخت و من را به تو خورانید که نه تو آن را می‌دانستی و نه پدران تو می‌دانستند، تا تو را بیاموزاند که انسان نه به نان تنها زیست می‌کند بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خداوند صادر شود، انسان زنده می‌شود.^۴ در این چهل سال لباس تو در برت مُندرس نشد، و پای تو آماس نکرد.^۵ پس در دل خود فکر کن که بطوری که پدر، پسر خود را تأدیب می‌نماید، یهوه خدایت تو را تأدیب کرده است.^۶ و اوامر یهوه خدای خود را نگاه داشته، در طریقهای او سلوک نما و از او بت‌رس.^۷ زیرا که یهوه خدایت تو را به زمین نیکو درمی‌آورد؛ زمین پر از نهرهای آب و از چشمه‌ها و دریاچه‌ها که از دره‌ها و کوه‌ها جاری می‌شود.^۸ زمینی که پراز گندم و جو و تاک و انجیر و انار باشد، زمینی که پراز زیتون زیت و عسل است.^۹ زمینی که در آن نان را به تنگی نخواهی خورد، و در آن محتاج به هیچ چیز نخواهی شد؛ زمینی که سنگهایش آهن است، و از کوه‌هایش مس خواهی کند.^{۱۰} و خورده، سیر خواهی شد، و یهوه خدای خود را به جهت زمین

۱۷ و اگر در دلت گویی که این قومها از من زیاده‌اند، چگونه توانم ایشان را اخراج نمایم؟
 ۱۸ از ایشان مترس بلکه آنچه را یهوه خدایت با فرعون و جمیع مصریان کرد، نیکو به یاد آور.
 ۱۹ یعنی تجربه‌های عظیمی را که چشمات دیده است، و آیات و معجزات و دست قوی و بازوی دراز را که یهوه، خدایت، تو را به آنها بیرون آورد. پس یهوه، خدایت، با همه قومهایی که از آنها می‌ترسی، چنین خواهد کرد.^{۲۰} و یهوه خدایت نیز زنبورها در میان ایشان خواهد فرستاد، تا باقی ماندگان و پنهان‌شدگان ایشان از حضور تو هلاک شوند.^{۲۱} از ایشان مترس زیرا یهوه خدایت که در میان توست، خدای عظیم و مهیب است.^{۲۲} و یهوه، خدایت، این قومها را از حضور تو به تدریج اخراج خواهد نمود، ایشان را بزودی نمی‌توانی تلف نمایی مبادا وحوش صحرا بر تو زیاد شوند.^{۲۳} اما یهوه خدایت، ایشان را به دست تو تسلیم خواهد کرد، و ایشان را به اضطراب عظیمی پریشان خواهد نمود تا هلاک شوند.^{۲۴} و ملوک ایشان را به دست تو تسلیم خواهد نمود، تا نام ایشان را از زیر آسمان محو سازی، و کسی یارای مقاومت با تو نخواهد داشت تا ایشان را هلاک سازی.
 ۲۵ و تمثالهای خدایان ایشان را به آتش بسوزانید، به نقره و طلایی که بر آنهاست، طمع موز، و برای خود مگیر، مبادا از آنها به دام گرفتار شوی، چونکه نزد یهوه، خدای تو، مکروه است.^{۲۶} و چیز مکروه را به خانه خود میاور، مبادا مثل آن حرام شوی، از آن نهایت نفرت و کراهت دار چونکه حرام است.

۹ ای اسرائیل بشنو. تو امروز از اُزْدُن عبور می‌کنی، تا داخل شده، قومهایی را که از تو عظیم‌تر و قوی‌تر اند، و شهرهای بزرگ را که تا به فلک حصاردار است، به تصرف آوری،^۲ یعنی قوم عظیم و بلند قدّ بنی‌عناق را که می‌شناسی و شنیده‌ای که گفته‌اند کیست که یارای مقاومت با بنی‌عناق داشته باشد.^۳ پس امروز بدان که یهوه، خدایت، اوست که پیش روی تو مثل آتش سوزنده عبور می‌کند، و او ایشان را هلاک خواهد کرد، و پیش روی تو ذلیل خواهد ساخت. پس ایشان را اخراج نموده، بزودی هلاک خواهی نمود، چنانکه خداوند به تو گفته است.

۴ پس چون یهوه، خدایت، ایشان را از حضور تو اخراج نماید، در دل خود فکر مکن و مگو که به سبب عدالت من، خداوند مرا به این زمین درآورد تا آن را به تصرف آورم، بلکه به سبب شرارت این امت‌ها، خداوند ایشان را از حضور تو اخراج می‌نماید.^۵ نه به سبب عدالت خود و نه به سبب راستی دل خویش داخل زمین ایشان برای تصرفش می‌شوی، بلکه به سبب شرارت این امت‌ها، یهوه، خدایت، ایشان را از حضور تو اخراج می‌نماید، و تا آنکه کلامی را که خداوند برای پدران، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورده بود، استوار نماید.

۶ پس بدان که یهوه، خدایت، این زمین نیکو را به سبب عدالت تو به تو نمی‌دهد تا در آن تصرف نمایی، زیرا که قومی گردن‌کش هستی.^۷ پس به یاد آور و فراموش مکن که چگونه خشم یهوه خدای خود را در بیابان جنبش دادی و از

نیکو که به تو داده است، متبارک خواهی خواند.^{۱۱} پس باحذر باش، مبدا یهوه خدای خود را فراموش کنی و او امر و احکام و فریض او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم، نگاه نداری.^{۱۲} مبدا خورده، سیر شوی، و خانه‌های نیکو بنا کرده، در آن ساکن شوی،^{۱۳} و رمه و گله تو زیاد شود، و نقره و طلا برای تو افزون شود، و مایملک تو افزوده گردد،^{۱۴} و دل تو مغرور شده، یهوه، خدای خود را که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد، فراموش کنی،^{۱۵} که تو را در بیابان بزرگ و ترسناک که در آن مارهای آتشین و عقربها و زمین تشنه بی‌آب بود، رهبری نمود، که برای تو آب از سنگ خارا بیرون آورد،^{۱۶} که تو را در بیابان منّ را خورانی که پدران آن را ندانسته بودند، تا تو را ذلیل سازد و تو را بیازماید و بر تو در آخرت احسان نماید.^{۱۷} مبدا در دل خود بگویی که قوت من و توانایی دست من، این توانگری را از برایم پیدا کرده است.^{۱۸} بلکه یهوه خدای خود را به یاد آور، زیرا اوست که به تو قوت می‌دهد تا توانگری پیدا نمایی، تا عهد خود را که برای پدران قسم خورده بود، استوار بدارد، چنانکه امروز شده است.

۱۹ و اگر یهوه خدای خود را فراموش کنی و پیروی خدایان دیگر نموده، آنها را عبادت و سجده نمایی، امروز بر شما شهادت می‌دهم که البته هلاک خواهید شد.^{۲۰} مثل قومهایی که خداوند پیش روی تو هلاک می‌سازد، شما هم‌چنین هلاک خواهید شد از این جهت که قول یهوه خدای خود را نشنیدید.

گرفتم و آنها را از دو دست خود انداخته، در نظر شما شکستم.^{۱۸} و مثل دفعه اول، چهل روز و چهل شب به حضور خداوند به روی درافتادم؛ نه نان خوردم و نه آب نوشیدم، به سبب همه گناهان شما که کرده و کار ناشایسته که در نظر خداوند عمل نموده، خشم او را به هیجان آوردید.^{۱۹} زیرا که از غضب و حدّت خشمی که خداوند بر شما نموده بود تا شما را هلاک سازد، می ترسیدم، و خداوند آن مرتبه نیز مرا اجابت نمود.^{۲۰} و خداوند بر هارون بسیار غضبناک شده بود تا او را هلاک سازد، و برای هارون نیز در آن وقت دعا کردم.^{۲۱} و اما گناه شما یعنی گوساله‌ای را که ساخته بودید، گرفتم و آن را به آتش سوزانیدم و آن را خرد کرده، نیکو ساییدم تا مثل غبار نرم شد، و غبارش را به نهری که از کوه جاری بود، پاشیدم

^{۲۲} و در تعبیره و مَسَا و کِبْرُوت هَتَاوَه خشم خداوند را به هیجان آوردید.^{۲۳} و وقتی که خداوند شما را از قادش برنبح فرستاده، گفت بروید و در زمینی که به شما داده‌ام تصرف نمایید، از قول یَهُوه خدای خود عاصی شدید و به او ایمان نیاورده، آواز او را نشنیدید.^{۲۴} از روزی که شما را شناخته‌ام به خداوند عصیان ورزیده‌اید.

^{۲۵} پس به حضور خداوند به روی درافتادم در آن چهل روز و چهل شب که افتاده بودم، از این جهت که خداوند گفته بود که شما را هلاک سازد.^{۲۶} و نزد خداوند استدعا نموده، گفتم: «ای خداوند یَهُوه، قوم خود و میراث خود را که به عظمت خود فدیة دادی و به دست قوی

روزی که از زمین مصر بیرون آمدمی تا به اینجا رسیدی، به خداوند عاصی می شدیدی.

^۸ و در حوریب خشم خداوند را جنبش دادید، و خداوند بر شما غضبناک شد تا شما را هلاک نماید.^۹ هنگامی که من به کوه برآمدم تا لوحهای سنگ یعنی لوحهای عهدی را که خداوند با شما بست، بگیرم، آنگاه چهل روز و چهل شب در کوه ماندم؛ نه نان خوردم و نه آب نوشیدم.^{۱۰} و خداوند دو لوح سنگ مکتوب شده به انگشت خدا را به من داد و بر آنها موافق تمامی سخنانی که خداوند در کوه از میان آتش در روز اجتماع به شما گفته بود، نوشته شد.^{۱۱} و واقع شد بعد از انقضای چهل روز و چهل شب که خداوند این دو لوح سنگ یعنی لوحهای عهد را به من داد،^{۱۲} و خداوند مرا گفت: «برخاسته، از اینجا به زودی فرود شو زیرا قوم تو که از مصر بیرون آوردی فاسد شده‌اند، و از طریقی که ایشان را امر فرمودم به زودی انحراف ورزیده، بتی ریخته شده برای خود ساختند.»^{۱۳} و خداوند مرا خطاب کرده، گفت: «این قوم را دیدم و اینک قوم گردن‌کش هستند.^{۱۴} مرا واگذار تا ایشان را هلاک سازم و نام ایشان را از زیر آسمان محو کنم و از تو قومی قوی‌تر و کثیرتر از ایشان به وجود آورم.»

^{۱۵} پس برگشته، از کوه فرود آمدم و کوه به آتش می سوخت و دو لوح عهد در دو دست من بود.^{۱۶} و نگاه کرده، دیدم که به یَهُوه خدای خود گناه ورزیده، گوساله‌ای ریخته شده برای خود ساخته و از طریقی که خداوند به شما امر فرموده بود، به زودی برگشته بودید.^{۱۷} پس دو لوح را

دفن شد. و پسرش العازار در جایش به کهانت پرداخت. ^۷ و از آنجا به جُدْجوده کوچ کردند، و از جُدْجوده به یطبات که زمین نهرهای آب است. ^۸ در آنوقت خداوند سببط لاوی را جدا کرد، تا تابوت عهد خداوند را بردارند، و به حضور خداوند ایستاده، او را خدمت نمایند، و به نام او برکت دهند، چنانکه تا امروز است. ^۹ بنابراین لاوی را در میان برادرانش نصیب و میراثی نیست؛ خداوند میراث وی است، چنانکه یهوه خدایت به وی گفته بود).

^{۱۰} و من در کوه مثل روزهای اولین، چهل روز و چهل شب توقف نمودم، و در آن دفعه نیز خداوند مرا اجابت نمود، و خداوند نخواست تو را هلاک سازد. ^{۱۱} و خداوند مرا گفت: «برخیز و پیش روی این قوم روانه شو تا به زمینی که برای پدران ایشان قسم خوردم که به ایشان بدهم داخل شده، آن را به تصرف آورند.»

ترس خداوند

^{۱۲} پس الآن ای اسرائیل، یهوه خدایت از تو چه می خواهد، جز اینکه از یهوه خدایت بترسی و در همه طریقههایش سلوک نمایی، و او را دوست بداری و یهوه خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمایی. ^{۱۳} و او امر خداوند و فرایض او را که من امروز تو را برای خیریت امر می فرمایم، نگاه داری. ^{۱۴} اینک فلک و فلک الافلاک از آن یهوه خدای توست، و زمین و هرآنچه در آن است. ^{۱۵} اما خداوند به پدران تو رغبت داشته، ایشان را محبت می نمود، و بعد از ایشان نسل ایشان،

از مصر بیرون آوردی، هلاک مساز. ^{۱۶} بندگان خودابراهیم و اسحاق و یعقوب را به یاد آور، و بر سخت دلی این قوم و شرارت و گناه ایشان نظر منما. ^{۱۸} مبدا اهل زمینی که ما را از آن بیرون آوردی، بگویند چونکه خداوند نتوانست ایشان را به زمینی که به ایشان وعده داده بود در آورد، و چونکه ایشان را دشمن می داشت، از این جهت ایشان را بیرون آورد تا در بیابان هلاک سازد. ^{۱۹} اما ایشان قوم تو و میراث تو هستند که به قوت عظیم خود و به بازوی افراشته خویش بیرون آوردی.

دو لوح جدید

و در آن وقت خداوند به من گفت: **۱۰** «دو لوح سنگ موافق اولین برای خود بتراش، و نزد من به کوه برآی، و تابوتی از چوب برای خود بساز. ^۲ و بر این لوحها کلماتی را که بر لوحهای اولین که شکستی بود، خواهم نوشت، و آنها را در تابوت بگذار.» ^۳ پس تابوتی از چوب سنط ساختم، و دو لوح سنگ موافق اولین تراشیدم، و آن دو لوح را در دست داشته، به کوه برآمدم. ^۴ و بر آن دو لوح موافق کتابت اولین، آن ده کلمه را که خداوند در کوه از میان آتش، در روز اجتماع به شما گفته بود نوشت، و خداوند آنها را به من داد. ^۵ پس برگشته، از کوه فرود آمدم، و لوحها را در تابوتی که ساخته بودم گذاشتم، و در آنجا هست، چنانکه خداوند مرا امر فرموده بود.

^۶ (و بنی اسرائیل از بیروت بنی یعقان به موسیره کوچ کردند، و در آنجا هارون مرد و در آنجا

امروز هلاک ساخت،^۵ و آنچه را که برای شما در بیابان کرد تا شما به اینجا رسیدید،^۶ و آنچه را که به داتان و ابیرام پسران الیاب پسر رؤبین کرد، که چگونه زمین دهان خود را گشوده، ایشان را و خاندان و خیمه‌های ایشان را، و هر جاننداری را که همراه ایشان بود در میان تمامی اسرائیل بلعید.^۷ اما چشمان شما تمامی اعمال عظیمه خداوند را که کرده بود، دیدند.

^۸ پس جمیع اوامری را که من امروز برای شما امر می‌فرمایم نگاه دارید، تا قوی شوید و داخل شده، زمینی را که برای گرفتن آن عبور می‌کنید، به تصرف آورید.^۹ و تا در آن زمینی که خداوند برای پدران شما قسَم خورد که آن را به ایشان و نسل ایشان بدهد، عمر دراز داشته باشید، زمینی که به شیر و شهد جاری است.^{۱۰} زیرا زمینی که تو برای گرفتن آن داخل می‌شوی، مثل زمین مصر که از آن بیرون آمدی نیست، که در آن تخم خود را می‌کاشتی و آن را مثل باغ بَقُول به پای خود سیراب می‌کردی.^{۱۱} اما زمینی که شما برای گرفتنش به آن عبور می‌کنید، زمین کوه‌ها و دَرّه‌هاست که از بارش آسمان آب می‌نوشد،^{۱۲} زمینی است که یَهُوه خدایت بر آن التفات دارد و چشمان یَهُوه خدایت از اول سال تا آخر سال پیوسته بر آن است.

^{۱۳} و چنین خواهد شد که اگر اوامری را که من امروز برای شما امر می‌فرمایم، بشنوید، و یَهُوه خدای خود را دوست بدارید، و او را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمایید،^{۱۴} آنگاه باران زمین شما یعنی باران اولین و آخرین را در موسمش خواهم بخشید، تا غله و شیره و

یعنی شما را از همه قومها برگزید، چنانکه امروز شده است.^{۱۶} پس غلغه دلهای خود را مختون سازید، و دیگر گردن‌کشی ننمایید.^{۱۷} زیرا که یَهُوه خدای شما خدای خدایان و ربّ الارباب، و خدای عظیم و جَبّار و مهیب است، که طرفداری ندارد و رشوه نمی‌گیرد.^{۱۸} یتیمان و بیوه‌زنان را دادرسی می‌کند، و غریبان را دوست داشته، خوراک و پوشاک به ایشان می‌دهد.^{۱۹} پس غریبان را دوست دارید، زیرا که در زمین مصر غریب بودید.^{۲۰} از یَهُوه خدای خود بترس، و او را عبادت نما و به او مُلصق شو و به نام او قسم بخور.^{۲۱} او فخر توست و او خدای توست که برای تو این اعمال عظیم و مَهِیبی که چشمانت دیده به جا آورده است.^{۲۲} پدران تو با هفتاد نفر به مصر فرود شدند و الآن یَهُوه خدایت، تو را مثل ستارگان آسمان کثیر ساخته است.

خدا را دوست بدار

پس یَهُوه خدای خود را دوست بدار،
و ودیعت و فرایض و احکام و اوامر او را در همه وقت نگاه دار.^۲ و امروز بدانید، زیرا که به پسران شما سخن نمی‌گویم که ندانسته‌اند، و تادیب یَهُوه خدای شما را ندیده‌اند، و نه عظمت و دست قوی و بازوی افراشته او را،^۳ و آیات و اعمال او را که در میان مصر، به فرعون، پادشاه مصر، و به تمامی زمین او بظهور آورد،^۴ و آنچه را که به لشکر مصریان، به اسبها و به اربابه‌های ایشان کرد، که چگونه آب دریای سرخ را برایشان جاری ساخت، وقتی که شما را تعاقب می‌نمودند، و چگونه خداوند، ایشان را تا به

مقاومت با شما نخواهد داشت، زیرا یَهُوه خدای شما ترس و ترس شما را بر تمامی زمین که به آن قدم می‌زنید مستولی خواهد ساخت، چنانکه به شما گفته است.

^{۲۶} اینک من امروز برکت و لعنت پیش شما می‌گذارم. ^{۲۷} اما برکت، اگر اوامر یَهُوه خدای خود را که من امروز به شما امر می‌فرمایم، اطاعت نمایید. ^{۲۸} اما لعنت، اگر اوامر یَهُوه خدای خود را اطاعت ننموده، از طریقی که من امروز به شما امر می‌فرمایم برگردید، و خدایان غیر را که نشناخته‌اید، پیروی نمایید. ^{۲۹} واقع خواهد شد که چون یَهُوه، خدایت، تو را به زمینی که به جهت گرفتنش به آن می‌روی داخل سازد، آنگاه برکت را بر کوه جرزیم و لعنت را بر کوه ایبال خواهی گذاشت. ^{۳۰} آیا آنها به آنطرف اُزُدُن نیستند پُشت راه غروب آفتاب، در زمین کنعانیانی که در عَرَبه ساکنند مقابل جِلجال نزد بلوطهای موره.

^{۳۱} زیرا که شما از اُزُدُن عبور می‌کنید تا داخل شده، زمینی را که یَهُوه خدایت به تو می‌بخشد به تصرف آورید، و آن را خواهید گرفت و در آن ساکن خواهید شد. ^{۳۲} پس متوجه باشید تا جمیع این فرایض و احکامی را که من امروز پیش شما می‌گذارم، به عمل آورید.

تنها محل عبادت

اینهاست فرایض و احکامی که شما در تمامی روزهایی که بر زمین زنده خواهید ماند، می‌باید متوجه شده، به عمل آرید، در زمینی که یَهُوه خدای پدرانت به تو داده

روغن خود را جمع نمایی. ^{۱۵} و در صحرای تو برای چهار پایانت علف خواهی داد تا بخوری و سیر شوی. ^{۱۶} باحذر باشید مبادا دل شما فریفته شود و برگشته، خدایان دیگر را عبادت و سجده نمایید. ^{۱۷} و خشم خداوند بر شما افروخته شود، تا آسمان را مسدود سازد، و باران نیارد، و زمین محصول خود را ندهد و شما از زمین نیکویی که خداوند به شما می‌دهد، بزودی هلاک شوید. ^{۱۸} پس این سخنان مرا در دل و جان خود جا دهید، و آنها را بر دستهای خود برای علامت ببندید، و در میان چشمان شما عصابه باشد. ^{۱۹} و آنها را به پسران خود تعلیم دهید، و حین نشستن در خانه خود، و رفتن به راه، و وقت خوابیدن و برخاستن از آنها گفتگو نمایید. ^{۲۰} و آنها را بر باهوهای در خانه خود و بر دروازه‌های خود بنویسید، ^{۲۱} تا ایام شما و ایام پسران شما بر زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورد که به ایشان بدهد، کثیر شود، مثل ایام افلاک بر بالای زمین.

^{۲۲} زیرا اگر تمامی این اوامر را که من به جهت عمل نمودن به شما امر می‌فرمایم، نیکو نگاه دارید، تا یَهُوه خدای خود را دوست دارید، و در تمامی طریق‌های او رفتار نموده، به او مُلصق شوید، ^{۲۳} آنگاه خداوند جمیع این امت‌ها را از حضور شما اخراج خواهد نمود، و شما امت‌های بزرگتر و قویتر از خود را تسخیر خواهید نمود. ^{۲۴} هر جایی که کف پای شما بر آن گذارده شود، از آن شما خواهد بود، از بیابان و لبنان و از نهر، یعنی نهر فرات تا دریای غربی، حدود شما خواهد بود. ^{۲۵} و هیچ کس یاری

است، تا در آن تصرف نمایی.

فرمایم بیاورید، از قربانی‌های سوختنی و ذبایح و ده یک‌های خود، و هدایای افراشتنی دستهای خویش، و همه نذرهای بهترین خود که برای خداوند نذر نمایید.^{۱۲} و به حضور یهوه خدای خود شادی نمایید، شما با پسران و دختران و غلامان و کنیزان خود، و لایوانی که درون دروازه‌های شما باشند، چونکه ایشان را با شما سهمی و نصیبی نیست.

^{۱۳} با حذر باش که در هر جایی که می‌بینی قربانی‌های سوختنی خود را نگذرانی،^{۱۴} بلکه در مکانی که خداوند در یکی از اسباط تو برگزیند در آنجا قربانی‌های سوختنی خود را بگذرانی، و در آنجا هر چه من به تو امر فرمایم، به عمل آوری.^{۱۵} اما گوشت را برحسب تمامی آرزوی دلت، موافق برکتی که یهوه خدایت به تو دهد، در همه دروازه‌های ذبح کرده، بخور؛ اشخاص نجس و طاهر از آن بخورند چنانکه از غزال و آهو می‌خورند.^{۱۶} ولی خون را نخور؛ آن را مثل آب بر زمین بریز.^{۱۷} ده یک غله و شیر و روغن و نخست‌زاده رمه و گله خود را در دروازه‌های خود مخور، و نه هیچ یک از نذرهای خود را که نذر می‌کنی و از نوافل خود و هدایای افراشتنی دست خود را.^{۱۸} بلکه آنها را به حضور یهوه خدایت در مکانی که یهوه خدایت برگزیند، بخور، تو و پسران و دختران و غلامان و کنیزان و لایوانی که درون دروازه‌های تو باشند، و به هر چه دست خود را بر آن بگذاری به حضور یهوه خدایت شادی نما.^{۱۹} با حذر باش که لایوان را در تمامی روزهایی که در زمین خود باشی، ترک نمایی.

^۲ جمیع اماکن امت‌هایی را که در آنها خدایان خود را عبادت می‌کنند و شما آنها را اخراج می‌نمایید خراب نمایید، خواه بر کوه‌های بلند خواه بر تلها و خواه زیر هر درخت سبز.^۳ مذبحهای ایشان را بشکنید و ستونهای ایشان را خرد کنید، و اشیره‌های ایشان را به آتش بسوزانید، و بتهای تراشیده شده خدایان ایشان را قطع نمایید، و نامهای ایشان را از آنجا محو سازید.^۴ با یهوه خدای خود چنین عمل ننمایید.^۵ بلکه به مکانی که یهوه خدای شما از جمیع اسباط شما برگزیند تا نام خود را در آنجا بگذارد، یعنی مسکن او را بطلبید و به آنجا بروید.^۶ و به آنجا قربانی‌های سوختنی و ذبایح و ده یک‌های خود، و هدایای افراشتنی دستهای خویش، و نذرها و نوافل خود و نخست‌زاده‌های رمه و گله خویش را ببرید.^۷ و در آنجا بحضور یهوه خدای خود بخورید، و شما و اهل خانه شما در هر شغل دست خود که یهوه خدای شما، شما را در آن برکت دهد، شادی نمایید.

^۸ موافق هر آنچه ما امروز در اینجا می‌کنیم، یعنی آنچه در نظر هر کس پسند آید، نکنید.^۹ زیرا که هنوز به آرامگاه و نصیبی که یهوه خدای شما، به شما می‌دهد داخل نشده‌اید.^{۱۰} اما چون از اُردُن عبور کرده، در زمینی که یهوه، خدای شما، برای شما تقسیم می‌کند، ساکن شوید، و او شما را از جمیع دشمنان شما از هر طرف آرامی دهد تا در امنیت سکونت نمایید،^{۱۱} آنگاه به مکانی که یهوه خدای شما برگزیند تا نام خود را در آن ساکن سازد، به آنجا هر چه را که من به شما امر

منقطع سازد، و ایشان را اخراج نموده، در زمین ایشان ساکن شوی. ۳۰ آنگاه باحذر باش، مبادا بعد از آنکه از حضور تو هلاک شده باشند به دام گرفته شده، ایشان را پیروی نمایی و دربارۀ خدایان ایشان دریافت کرده، بگویی که این امت‌ها خدایان خود را چگونه عبادت کردند تا من نیز چنین کنم. ۳۱ با یهوه، خدای خود، چنین عمل منما، زیرا هرچه را که نزد خداوند مکروه است و از آن نفرت دارد، ایشان برای خدایان خود می‌کردند، حتی اینکه پسران و دختران خود را نیز برای خدایان خود به آتش می‌سوزانیدند. ۳۲ هر آنچه من به شما امر می‌فرمایم متوجه شوید، تا آن را به عمل آورید، چیزی بر آن می‌فزایید و چیزی از آن کم نکنید.

خدایان دیگر

اگر در میان تو نبی‌ای یا بیننده ۱۳ خواب از میان شما برخیزد، و آیت یا معجزه‌ای برای شما ظاهر سازد، ۲ و آن آیت یا معجزه واقع شود که از آن تو را خبر داده، گفت خدایان غیر را که نمی‌شناسی پیروی نمایم، و آنها را عبادت کنیم، ۳ سخنان آن نبی یا بیننده خواب را مشنو، زیرا که یهوه، خدای شما، شما را امتحان می‌کند، تا بداند که آیا یهوه، خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود محبت می‌نمایید؟ ۴ یهوه خدای خود را پیروی نمایید و از او بترسید، و او امر او را نگاه دارید، و قول او را بشنوید و او را عبادت نموده، به او ملحق شوید. ۵ و آن نبی یا بیننده خواب کشته شود، زیرا که سخنان فتنه‌انگیز بر یهوه خدای شما که شما را

۲۰ چون یهوه، خدایت، حدود تو را بطوری که تو را وعده داده است، وسیع گرداند، و بگویی که گوشت خواهم خورد، زیرا که دل تو به گوشت خوردن مایل است، پس موافق همه آرزوی دلت گوشت را بخور. ۲۱ و اگر مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند تا اسم خود را در آن بگذارد از تو دور باشد، آنگاه از رمه و گله خود که خداوند به تو دهد ذبح کن، چنانکه به تو امر فرموده‌ام و از هرچه دلت بخواهد در دروازه‌هایت بخور. ۲۲ چنانکه غزال و آهو خورده شود، آنها را چنین بخور: شخص نجس و شخص طاهر از آن برابر بخورند. ۲۳ اما هوشیار باش که خون را نخوری زیرا خون جان است و جان را با گوشت نخوری. ۲۴ آن را مخور، بلکه مثل آب بر زمینش بریز. ۲۵ آن را مخور تا برای تو و بعد از تو برای پسرانت نیکو باشد هنگامی که آنچه در نظر خداوند راست است، به جا آوری. ۲۶ اما موقوفات خود را که داری و نذرهای خود را برداشته، به مکانی که خداوند برگزیند، برو. ۲۷ و گوشت و خون قربانی‌های سوختنی خود را بر مذبح یهوه خدایت بگذران و خون ذبایح تو بر مذبح یهوه خدایت ریخته شود و گوشت را بخور. ۲۸ متوجه باش که همه این سخنانی را که من به تو امر می‌فرمایم بشنوی تا برای تو و بعد از تو برای پسرانت هنگامی که آنچه در نظر یهوه، خدایت، نیکو و راست است به جا آوری تا به ابد نیکو باش.

۲۹ وقتی که یهوه، خدایت، امت‌هایی را که به جهت گرفتن آنها به آنجا می‌روی، از حضور تو

شده است،^{۱۵} البته ساکنان آن شهر را به دم شمشیر بگش و آن را با هرچه در آن است و چهار پایش را به دم شمشیر هلاک نما.^{۱۶} و همه غنیمت آن را در میان کوچهاش جمع کن و شهر را با تمامی غنیمتش برای یهوه خدایت به آتش بالکل بسوزان، و آن تا به ابد تلی خواهد بود و بار دیگر بنا نخواهد شد.^{۱۷} و از چیزهای حرام شده چیزی به دست نچسبند تا خداوند از شدت خشم خود برگشته، بر تو رحمت و رأفت بنماید، و تو را بیفزاید بطوری که برای پدران قسَم خورده بود،^{۱۸} هنگامی که قول یهوه خدای خود را شنیده، و همه او امرش را که من امروز به تو امر می فرمایم نگاه داشته، آنچه در نظر یهوه خدایت راست است، به عمل آورده باشی.

حلال و حرام

شما پسران یهوه خدای خود هستید، پس برای مردگان، خویشتن را مجروح ننمایید، و ما بین چشمان خود را متراشید.^۱ زیرا تو برای یهوه، خدایت، قوم مقدس هستی، و خداوند تو را برای خود برگزیده است تا از جمیع امت‌هایی که بر روی زمین اند به جهت او قوم خاص باشی.

^۲ هیچ چیز مکروه مخور.^۳ این است حیواناتی که بخورید: گاو و گوسفند و بُز،^۴ و آهو و غزال و گور و بزکوهی و ریم و گاو دشتی و مَهات.^۵ و هر حیوان شکافته سُم که سُم را به دو قسمت شکافته دارد و نشخوار کند، آن را از چهار پایان بخورید.^۶ اما از نشخوارکنندگان و شکافتگان سُم اینها را مخورید: یعنی شتر و

از زمین مصر بیرون آورد، و تو را از خانه بندگی فدیهِ داد، گفته است تا تو را از طریقی که یهوه خدایت به تو امر فرمود تا با آن سلوک نمایی، منحرف سازد. پس به این طور بدی را از میان خود دور خواهی کرد.

^۶ و اگر برادرت که پسر مادرت باشد یا پسر یا دختر تو یا زن هم‌آغوش تو یا رفیقت که مثل جان تو باشد، تو را در خفا اغوا کند، و گوید که برویم و خدایان غیر را که تو و پدران تو نشناختید عبادت نماییم،^۷ از خدایان امت‌هایی که به اطراف شما می‌باشند، خواه به تو نزدیک و خواه از تو دور باشند، از اقصای زمین تا اقصای دیگر آن،^۸ او را قبول مکن و او را گوش مده، و چشم تو بر وی رحم نکند و بر او شفقت منما و او را پنهان مکن.^۹ البته او را به قتل رسان، دست تو اول به قتل او دراز شود و بعد دست تمامی قوم.^{۱۰} و او را به سنگ سنگسار نما تا بمیرد، چونکه می‌خواست تو را از یهوه، خدایت، که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد، منحرف سازد.^{۱۱} و جمیع اسرائیلیان چون بشنوند، خواهند ترسید و بار دیگر چنین امر زشت را در میان شما مرتکب نخواهند شد.

^{۱۲} اگر درباره یکی از شهرهایی که یهوه خدایت به تو به جهت سکونت می‌دهد خبر یابی،^{۱۳} که بعضی پسران بلعیال از میان تو بیرون رفته، ساکنان شهر خود را منحرف ساخته، گفته‌اند برویم و خدایان غیر را که نشناخته‌اید، عبادت نماییم،^{۱۴} آنگاه تفحص و تجسس نموده، نیکو سوال نما. و اینک اگر این امر، صحیح و یقین باشد که این عمل مکروه در میان تو معمول

خرگوش و خرگوش کوهی، زیرا که نشخوار می‌کنند اما شکافته سم نیستند. اینها برای شما نجس‌اند.^۸ و خوک زیرا شکافته سم است، اما نشخوار نمی‌کند، این برای شما نجس است. از گوشت آنها مخورید و لاش آنها را لمس نکنید.^۹ از همه آنچه در آب است اینها را بخورید: هرچه پر و فلس دارد، آنها را بخورید.^{۱۰} و هرچه پر و فلس ندارد مخورید، برای شما نجس است.^{۱۱} از همه مرغان طاهر بخورید.^{۱۲} و این است آنهايي که نخورید: عقاب و استخوان‌خوار و نسر بحر،^{۱۳} و لاش‌خوار و شاهین و کرکس به اجناس آن؛^{۱۴} و هر غراب به اجناس آن؛^{۱۵} و شتر مرغ و جغد و مرغ دریایی و باز، به اجناس آن؛^{۱۶} و بوم و بوتیمار و قاز؛^{۱۷} و قات و رخم و غواص؛^{۱۸} و لَقْلَق و کُلنک، به اجناس آن؛ و هُدْهُد و شبیره.^{۱۹} و همه حشرات بالدار برای شما نجس‌اند؛ خورده نشوند.^{۲۰} اما از همه مرغان طاهر بخورید.

^{۲۱} هیچ میته مخورید؛ به غریبی که درون دروازه‌های تو باشد بده تا بخورد، یا به اجنبی بفروش، زیرا که تو برای یَهُوه، خدایت، قوم مقدس هستی. و بزغاله را در شیر مادرش میز.

سال انفکاک

و در آخر هر هفت سال، انفکاک نمایی.^۲ و قانون انفکاک این باشد: هر طلبکاری قرضی را که به همسایه خود داده باشد منفک سازد، و از همسایه و برادر خود مطالبه نکند، چونکه انفکاک خداوند اعلان شده است.^۳ از غریب مطالبه توانی کرد، اما

۱۵

ده یک

^{۲۲} ده یک تمامی محصولات مزرعه خود را که سال به سال از زمین برآید، البته بده.^{۲۳} و به حضور یَهُوه خدایت در مکانی که برگزیند تا نام خود را در آنجا ساکن سازد، دهم غله و شیر و روغن خود را و نخست زادگان رمه و گله

آزادی غلامان

۱۲ اگر مرد یا زن عبرانی از برادرانت به تو فروخته شود، و او تو را شش سال خدمت نماید، پس در سال هفتم او را از نزد خود آزاد کرده، رها کن. ۱۳ و چون او را از نزد خود آزاد کرده، رها می کنی، او را تهنی دست روانه مساز. ۱۴ او را از گله و خرمن و چرخشت خود البته زاد بده؛ به اندازه ای که یهوه، خدایت، تو را برکت داده باشد به او بده. ۱۵ و به یاد آور که تو در زمین مصر غلام بودی و یهوه، خدایت، تو را فدیه داد، بنابراین من امروز این را به تو امر می فرمایم، ۱۶ و اگر به تو گوید از نزد تو بیرون نمی روم چونکه تو را و خاندان تو را دوست دارد و او را نزد تو خوش گذشته باشد، ۱۷ آنگاه در فشی گرفته، گوشش را با آن به در بدوز تا تو را غلام ابدی باشد، و با کنیز خود نیز چنین عمل نما.

۱۸ و چون او را از نزد خود آزاد کرده، رها می کنی، بنظرت بد نیاید، زیرا که دو برابر اجرت اجیر، تو را شش سال خدمت کرده است. و یهوه خدایت در هر چه می کنی تو را برکت خواهد داد.

تقدیس حیوانات

۱۹ همه نخست زادگان زبینه را که از رمه و گله تو زاییده شوند برای یهوه، خدای خود، تقدیس نما، و با نخست زاده گاو خود کار مکن و نخست زاده گوسفند خود را پشم مبر. ۲۰ آنها را به حضور یهوه خدای خود در مکانی که خداوند برگزیند، تو و اهل خانه ات سال به سال بخورید.

۲۱ اما اگر عیبی داشته باشد، مثلاً لنگ یا کور یا هر عیب دیگر، آن را برای یهوه خدایت ذبح

هر آنچه از مال تو نزد برادرت باشد، دست تو آن را منفک سازد، ۴ تا نزد تو هیچ فقیر نباشد، زیرا که خداوند تو را در زمینی که یهوه، خدایت، برای نصیب و ملک به تو می دهد، البته برکت خواهد داد، ۵ اگر قول یهوه، خدایت، را به دقت بشنوی تا متوجه شده، جمیع این او امر را که من امروز به تو امر می فرمایم به جا آوری. ۶ زیرا که یهوه، خدایت، تو را چنانکه گفته است برکت خواهد داد، و به امت های بسیار قرض خواهی داد، اما تو مدیون نخواهی شد، و بر امت های بسیار تسلط خواهی نمود، و ایشان بر تو مسلط نخواهند شد.

۷ اگر نزد تو در یکی از دروازه های، در زمینی که یهوه، خدایت، به تو می بخشد، یکی از برادرانت فقیر باشد، دل خود را سخت مساز، و دستت را بر برادر فقیر خود مبند. ۸ بلکه البته دست خود را بر او گشاده دار، و به قدر کفایت، موافق احتیاج او به او قرض بده. ۹ و با حذر باش مبادا در دل تو فکر زشت باشد، و بگویی سال هفتم یعنی سال انفکاک نزدیک است، و چشم تو بر برادر فقیر خود بد شده، چیزی به او ندهی و او از تو نزد خداوند فریاد برآورده، برایت گناه باشد. ۱۰ البته به او بدهی و دلت از دادنش آزرده نشود، زیرا که به عوض این کار یهوه، خدایت، تو را در تمامی کارهایت و هر چه دست خود را بر آن دراز می کنی، برکت خواهد داد. ۱۱ چونکه فقیر از زمین معدوم نخواهد شد، بنابراین من تو را امر فرموده، می گویم البته دست خود را برای برادر مسکین و فقیر خود که در زمین تو باشند، گشاده دار.

عید هفته‌ها

۹ هفت هفته برای خود بشمار. از ابتدای نهادن داس در زرع خود، شمردن هفت هفته را شروع کن. ۱۰ و عید هفته‌ها را با هدیه نوافل دست خود نگاه‌دار و آن را به اندازه برکتی که یهوه خدایت به تو دهد، بده. ۱۱ و به حضور یهوه، خدایت، شادی نما تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و لایوی که درون دروازه‌هایت باشد و غریب و یتیم و بیوه‌زنی که در میان تو باشند، در مکانی که یهوه خدایت برگزیند تا نام خود را در آن ساکن گرداند. ۱۲ و به یاد آور که در مصر غلام بودی، پس متوجه شده، این فرایض را به جا آور.

عید خیمه‌ها

۱۳ عید خیمه‌ها را بعد از جمع کردن حاصل از خرمن، و چرخش خود هفت روز نگاه‌دار. ۱۴ و در عید خود شادی نما، تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و لایوی و غریب و یتیم و بیوه‌زنی که درون دروازه‌هایت باشند. ۱۵ هفت روز در مکانی که خداوند برگزیند، برای یهوه خدایت عید نگاه‌دار، زیرا که یهوه خدایت تو را در همه محصولات و در تمامی اعمال دستت برکت خواهد داد، و بسیار شادمان خواهی بود. ۱۶ سه مرتبه در سال جمیع ذکورات به حضور یهوه خدایت در مکانی که او برگزیند حاضر شوند، یعنی در عید فطیر و عید هفته‌ها و عید خیمه‌ها؛ و به حضور خداوند تهی‌دست حاضر نشوند. ۱۷ هر کس به قدر قوه خود به اندازه برکتی که یهوه، خدایت، به تو عطا

مکن. ۲۲ آن را در اندرون دروازه‌هایت بخور، شخص نجس و شخص طاهر، آن را برابر مثل غزال و آهو بخورند. ۲۳ اما خونش را مخور. آن را مثل آب بر زمین بریز.

فصح

۱۶

ماه ایبب را نگاه‌دار و فصح را به جهت یهوه، خدایت، به جا آور، زیرا که در ماه ایبب یهوه، خدایت، تو را از مصر در شب بیرون آورد. ۲ پس فصح را از رمه و گله برای یهوه، خدایت، ذبح کن، در مکانی که خداوند برگزیند، تا نام خود را در آن ساکن سازد. ۳ با آن، خمیرمایه مخور، هفت روز نان فطیر یعنی نان مشقت را با آن بخور، زیرا که به تعجیل از زمین مصر بیرون آمدی، تا روز خروج خود را از زمین مصر در تمامی روزهای عمرت به یاد آوری. ۴ پس هفت روز هیچ خمیرمایه در تمامی حدودت دیده نشود؛ و از گوشتی که در شام روز اول، ذبح می‌کنی چیزی تا صبح باقی نماند. ۵ فصح را در هر یکی از دروازه‌هایت که یهوه خدایت به تو می‌دهد، ذبح نتوانی کرد، ۶ بلکه در مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند تا نام خود را در آن ساکن سازد، در آنجا فصح را در شام، وقت غروب آفتاب، هنگام بیرون آمدنت از مصر ذبح کن. ۷ و آن را در مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند بپز و بخور و بامدادان برخاسته، به خیمه‌هایت برو. ۸ شش روز نان فطیر بخور، و در روز هفتم، جشن مقدس برای یهوه خدایت باشد؛ در آن هیچ کار مکن.

فرماید، بدهد.

باشد که این عمل مکروه در اسرائیل واقع شده است.^۵ آنگاه آن مرد یا زن را که این کار بد را در دروازه‌هایت کرده است، بیرون آور، و آن مرد یا زن را با سنگها سنگسار کن تا بمیرند.^۶ از گواهی دو یا سه شاهد، آن شخصی که مستوجب مرگ است کشته شود؛ از گواهی یک نفر کشته نشود.^۷ اولاً دست شاهدان به جهت کشتش بر او افراشته شود، و بعد از آن، دست تمامی قوم؛ پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.

داوری اختلافات

^۸ اگر در میان تو امری که حکم بر آن مشکل شود به ظهور آید، در میان خون و خون، و در میان دعوی و دعوی، و در میان ضرب و ضرب، از مرافعه‌هایی که در دروازه‌هایت واقع شود، آنگاه برخاسته، به مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند، برو.^۹ و نزد لاویان کهنه و نزد داوری که در آن روزها باشد رفته، مسألت نما و ایشان تو را از فتوای قضا مخبر خواهند ساخت.^{۱۰} و برحسب فتوایی که ایشان از مکانی که خداوند برگزیند، برای تو بیان می‌کنند، عمل نما. و هوشیار باش تا موافق هر آنچه به تو تعلیم دهند، عمل نمایی.^{۱۱} موافق مضمون شریعتی که به تو تعلیم دهند، و مطابق حکمی که به تو گویند، عمل نما، و از فتوایی که برای تو بیان می‌کنند به طرف راست یا چپ تجاوز مکن.^{۱۲} و شخصی که از روی تکبر رفتار نماید، و کاهنی را که به حضور یهوه، خدایت، به جهت خدمت در آنجا می‌ایستد یا داور را گوش نگیرد، آن شخص کشته شود. پس بدی را از میان اسرائیل دور کرده‌ای.^{۱۳} و تمامی

تعیین داوران

^{۱۸} داوران و سروران در جمیع دروازه‌هایی که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد برحسب اسباط خود برایت تعیین نما، تا قوم را به حکم عدل، داوری نمایند.^{۱۹} داوری را منحرف مساز و طرفداری منما و رشوه مگیر، زیرا که رشوه چشمان حکما را کور می‌سازد و سخنان عادلان را کج می‌نماید.^{۲۰} انصاف کامل را پیروی نما تا زنده مانی و زمینی را که یهوه خدایت به تو می‌دهد، مالک شوی.

خدایان غیر

^{۲۱} اشیره‌ای از هیچ نوع درخت نزد مذبح یهوه، خدایت، که برای خود خواهی ساخت غرس منما.^{۲۲} و ستونی برای خود نصب مکن زیرا یهوه خدایت آن را مکروه می‌دارد.

گاو یا گوسفندی که در آن عیب یا **۱۷** هیچ چیز بد باشد، برای یهوه خدای خود ذبح منما، چونکه آن، نزد یهوه خدایت مکروه است.

^۲ اگر در میان تو، در یکی از دروازه‌هایت که یهوه خدایت به تو می‌دهد، مرد یا زنی پیدا شود که در نظر یهوه، خدایت، کار ناشایسته نموده، از عهد او تجاوز کند،^۳ و رفته خدایان غیر را عبادت کرده، سجده نماید، خواه آفتاب یا ماه یا هر یک از لشکرهای آسمان که من امر نفرموده‌ام،^۴ و از آن اطلاع یافته، بشنوی، پس نیکو تفحص کن؛ و اینک اگر راست و یقین

قوم چون این را بشنوند، خواهند ترسید و بار دیگر از روی تکبر رفتار نخواهند نمود.

پادشاه اسرائیل

۱۴ چون به زمینی که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد، داخل شوی و در آن تصرف نمود، ساکن شوی و بگویی مثل جمیع امت‌هایی که به اطراف منند پادشاهی بر خود نصب نمایم، ۱۵ البته پادشاهی را که یهوه خدایت برگزیند بر خود نصب نما. یکی از برادرانت را بر خود پادشاه بساز، و مرد بیگانه‌ای را که از برادرانت نباشد، نمی‌توانی بر خود مسلط نمایی. ۱۶ اما او برای خود اسبهای بسیار نگیرد، و قوم را به مصر پس نفرستد، تا اسبهای بسیار برای خود بگیرد، چونکه خداوند به شما گفته است بار دیگر به آن راه برنگردید. ۱۷ و برای خود زنان بسیار نگیرد، مبادا دلش منحرف شود، و نقره و طلا برای خود بسیار زیاده نیندوزد. ۱۸ و چون بر تخت مملکت خود بنشیند، نسخه این شریعت را از آنچه از آن، نزد لاویان کهنه است برای خود در طوماری بنویسد. ۱۹ و آن نزد او باشد و همه روزهای عمرش آن را بخواند، تا بیاموزد که از یهوه خدای خود بترسد، و همه کلمات این شریعت و این فرایض را نگاه داشته، به عمل آورد. ۲۰ مبادا دل او بر برادرانش افراشته شود، و از این اوامر به طرف چپ یا راست منحرف شود، تا آنکه او و پسرانش در مملکت او در میان اسرائیل روزهای طویل داشته باشند.

هدایا برای کاهنان و لاویان

لاویان کهنه و تمامی سبط لاوی را ۱۸ سهم و نصیبی با اسرائیل نباشد.

هدایای آتشین خداوند و نصیب او را بخورند. ۲ پس ایشان در میان برادران خود نصیب نخواهند داشت. خداوند نصیب ایشان است، چنانکه به ایشان گفته است.

۳ و حق کاهنان از قوم، یعنی از آنانی که قربانی، خواه از گاو و خواه از گوسفند می‌گذرانند، این است که دوش و دو بناگوش و شکنبه را به کاهن بدهند. ۴ و نویر غله و شیر و روغن خود و اول چمن پشم گوسفند خود را به او بده، ۵ زیرا که یهوه، خدایت، او را از همه اسباب برگزیده است، تا او و پسرانش همیشه بایستند و به نام خداوند خدمت نمایند.

۶ و اگر احدی از لاویان از یکی از دروازه‌های از هر جایی در اسرائیل که در آنجا ساکن باشد آمده، به تمامی آرزوی دل خود به مکانی که خداوند برگزیند، برسد، ۷ پس به نام یهوه خدای خود، مثل سایر برادرانش از لاویانی که در آنجا به حضور خداوند می‌ایستند، خدمت نماید. ۸ سهم‌های برابر بخورند، سوای آنچه از ارثیت خود بفروشد.

اعمال مکروه

۹ چون به زمینی که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد داخل شوی، یاد مگیر که موافق مکروهات آن امت‌ها عمل نمایی. ۱۰ و در میان تو کسی یافت نشود که پسر یا دختر خود را از آتش بگذرانند، و نه فالگیر و نه غیب‌گو و نه

اگر آن چیز واقع نشود و به انجام نرسد، این امری است که خداوند نگفته است، بلکه آن نبی آن را از روی تکبر گفته است. پس از او نترس.

شهر ملجأ

وقتی که یَهُوَه خدایت این امت‌ها را که یَهُوَه، خدایت، زمین ایشان را به تو می‌دهد منقطع سازد، و تو وارث ایشان شده، در شهرها و خانه‌های ایشان ساکن شوی، ^۲ پس سه شهر را برای خود در میان زمینی که یَهُوَه، خدایت، به جهت ملکیت به تو می‌دهد، جدا کن. ^۳ شاهراه را برای خود درست کن، و حدود زمین خود را که یَهُوَه خدایت برای تو تقسیم می‌کند، سه قسمت کن، تا هر قاتلی در آنجا فرار کند.

^۴ و این است حکم قاتلی که به آنجا فرار کرده، زنده ماند: هر که همسایه خود را نادانسته بکشد، و قبل از آن از او بغض نداشت. ^۵ مثل کسی که با همسایه خود برای بریدن درخت در جنگل برود، و دستش برای قطع نمودن درخت تبر را بلند کند، و آهن از دسته بیرون رفته، به همسایه‌اش بخورد تا بمیرد، پس به یکی از آن شهرها فرار کرده، زنده ماند. ^۶ مبادا و لئی خون وقتی که دلش گرم است قاتل را تعاقب کند، و به سبب مسافت راه به وی رسیده، او را بکشد، و او مستوجب مرگ نباشد، چونکه او را پیشتر بغض نداشت. ^۷ از این جهت من تو را امر فرموده، گفتم برای خود سه شهر جدا کن.

^۸ و اگر یَهُوَه، خدایت، حدود تو را به طوری که به پدران تو قسم خورده است وسیع گرداند،

افسونگر و نه جادوگر، ^{۱۱} و نه ساحر و نه سؤال کننده از اجته و نه رَمال و نه کسی که از مردگان مشورت می‌کند. ^{۱۲} زیرا هرکه این کارها را کند، نزد خداوند مکروه است و به سبب این مکروهات، یَهُوَه، خدایت، آنها را از حضور تو اخراج می‌کند. ^{۱۳} نزد یَهُوَه، خدایت، کامل باش. ^{۱۴} زیرا این امت‌هایی که تو آنها را بیرون می‌کنی به غیب گویان و فالگیران گوش می‌گیرند، و اما یَهُوَه، خدایت، تو را نمی‌گذارد که چنین بکنی.

مبعوث کردن نبی

^{۱۵} یَهُوَه، خدایت، نبی‌ای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوید. ^{۱۶} موافق هر آنچه در حوریب در روز اجتماع از یَهُوَه خدای خود مسألت نموده، گفتی: «آواز یَهُوَه خدای خود را دیگر نشنوم، و این آتش عظیم را دیگر نبینم، مبادا بمیرم.» ^{۱۷} و خداوند به من گفت: «آنچه گفتند نیکو گفتند. ^{۱۸} نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد، و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت. ^{۱۹} و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود، من از او مطالبه خواهم کرد. ^{۲۰} و اما نبی‌ای که جسارت نموده، به اسم من سخن گوید که به گفتنش امر نفرمودم، یا به اسم خدایان غیر سخن گوید، آن نبی البته کشته شود.» ^{۲۱} و اگر در دل خود گویی: «سخنی را که خداوند نگفته است، چگونه تشخیص نمایم.» ^{۲۲} هنگامی که نبی به اسم خداوند سخن گوید،

کاذب است و بر برادر خود شهادت دروغ داده باشد،^{۱۹} پس به طوری که او خواست با برادر خود عمل نماید، با او همان طور رفتار نمایند، تا بدی را از میان خود دور نمایی.^{۲۰} و چون بقیهٔ مردمان بشنوند، خواهند ترسید، و بعد از آن مثل این کار زشت در میان شما نخواهند کرد.^{۲۱} و چشم تو ترحم نکند، جان به عوض جان، و چشم به عوض چشم، و دندان به عوض دندان، دست به عوض دست و پا به عوض پا.

دستورالعمل برای جنگ

۲۰ چون برای جنگ با دشمن خود بیرون روی، و اسبها و اراپه‌ها و قومی را زیاده از خود بینی، از ایشان مترس زیرا یهوه خدایت که تو را از زمین مصر برآورده است، با توست.^۲ و چون به جنگ نزدیک شوی، آنگاه کاهن پیش آمده، قوم را مخاطب سازد^۳ و ایشان را گوید: «ای اسرائیل بشنوید! شما امروز برای جنگ با دشمنان خود پیش می‌روید؛ دل شما ضعیف نشود، و از ایشان ترسان و لرزان و هراسان مباشید.^۴ زیرا یهوه، خدای شما، با شما می‌رود، تا برای شما با دشمنان شما جنگ کرده شما را نجات دهد.»^۵ و سروران، قوم را خطاب کرده، گویند: «کیست که خانه نو بنا کرده، آن را تخصیص نکرده است؛ او روانه شده، به خانه خود برگردد، مبادا در جنگ بمیرد و دیگری آن را تخصیص نماید.^۶ و کیست که تاکستانی غرس نموده، آن را حلال نکرده است؛ او روانه شده، به خانه خود برگردد، مبادا در جنگ بمیرد، و دیگری آن را حلال کند.^۷ و کیست که دختری

و تمامی زمین را به تو عطا فرماید، که به دادن آن به پدرانت وعده داده است،^۹ و اگر تمامی این اوامر را که من امروز به تو می‌فرمایم نگاه داشته، به جاآوری که یهوه خدای خود را دوست داشته، به طریقه‌های او دائماً سلوک نمایی، آنگاه سه شهر دیگر بر این سه برای خود مزید کن.^{۱۰} تا خون بی‌گناه در زمینی که یهوه خدایت برای ملکیت به تو می‌دهد، ریخته نشود، و خون بر گردن تو نباشد.

۱۱ اما اگر کسی همسایه خود را بغض داشته، در کمین او باشد و بر او برخاسته، او را ضرب مهلک بزند که بمیرد، و به یکی از این شهرها فرار کند،^{۱۲} آنگاه مشایخ شهرش فرستاده، او را از آنجا بگیرند، و او را به دست ولی خون تسلیم کنند، تا کشته شود.^{۱۳} چشم تو بر او ترحم نکند، تا خون بی‌گناهی را از اسرائیل دور کنی، و برای تو نیکو باشد.

۱۴ حد همسایه خود را که پیشینیان گذاشته‌اند، در ملک تو که به دست تو خواهد آمد، در زمینی که یهوه خدایت برای تصرفش به تو می‌دهد، منتقل مساز.

۱۵ یک شاهد بر کسی برنخیزد، به هر تقصیر و هر گناه از جمیع گناهانی که کرده باشد، به گواهی دو شاهد یا به گواهی سه شاهد هر امری ثابت شود.^{۱۶} اگر شاهد کاذبی بر کسی برخاسته، به معصیتش شهادت دهد،^{۱۷} آنگاه هر دو شخصی که منازعه در میان ایشان است، به حضور خداوند و به حضور کاهنان و داورانی که در آن زمان باشند، حاضر شوند.^{۱۸} و داوران، نیکو تفحص نمایند، و اینک اگر شاهد، شاهد

عمل می نمودند، عمل نمایید. و به یهوه، خدای خود، گناه کنید.

۱۹ چون برای گرفتن شهری با آن جنگ کنی، و آن را روزهای بسیار محاصره نمایی، تبر بر درختهایش مزن و آنها را تلف مساز. چونکه از آنها می خوری پس آنها را قطع منما، زیرا آیا درخت صحرا انسان است تا آن را محاصره نمایی؟ ۲۰ و اما درختی که می دانی درختی نیست که از آن خورده شود آن را تلف ساخته، قطع نما و سنگری بر شهری که با تو جنگ می کند، بنا کن تا منهدم شود.

قتل نامعین

۲۱ اگر در زمینی که یهوه، خدایت، برای تصرفش به تو می دهد، مقتولی در صحرا افتاده، پیدا شود و معلوم نباشد که قاتل او کیست، ۲ آنگاه مشایخ و داوران تو بیرون آمده، مسافت شهرهایی را که در اطراف مقتول است، بپیمایند. ۳ و اما شهری که نزدیک تر به مقتول است، مشایخ آن شهر گوساله رمه را که با آن خیش نزده، و یوغ به آن نبسته اند، بگیرند. ۴ و مشایخ آن شهر آن گوساله را در وادی ای که آب در آن همیشه جاری باشد و در آن خیش نزده، و شخم نکرده باشند، فرود آورند، و آنجا در وادی، گردن گوساله را بشکنند. ۵ و بنی لوی کهنه نزدیک بیابند، چونکه یهوه خدایت ایشان را برگزیده است تا او را خدمت نمایند، و به نام خداوند برکت دهند، و برحسب قول ایشان هر منازعه و هر آزاری فیصل پذیرد. ۶ و جمیع مشایخ آن شهری که نزدیک تر به مقتول است،

نامزد کرده، به نکاح در نیاورده است، او روانه شده، به خانه خود برگردد، مبادا در جنگ بمیرد و دیگری او را به نکاح درآورد. ۸ و سروران نیز قوم را خطاب کرده، گویند: «کیست که ترسان و ضعیف دل است؛ او روانه شده، به خانه اش برگردد، مبادا دل برادرانش مثل دل او گذاخته شود.» ۹ و چون سروران از تکلم نمودن به قوم فارغ شوند، بر سر قوم، سرداران لشکر مقرر سازند.

۱۰ چون به شهری نزدیک آبی تا با آن جنگ نمایی، آن را برای صلح ندا بکن. ۱۱ و اگر تو را جواب صلح بدهد، و دروازه ها را برای تو بگشاید، آنگاه تمامی قومی که در آن یافت شوند، به تو جزیه دهند و تو را خدمت نمایند. ۱۲ و اگر با تو صلح نکرده، با تو جنگ نمایند، پس آن را محاصره کن. ۱۳ و چون یهوه، خدایت، آن را به دست تو بسپارد، جمیع ذکورانش را به دم شمشیر بکش. ۱۴ اما زنان و اطفال و چهار پایان و آنچه در شهر باشد، یعنی تمامی غنیمتش را برای خود به تاراج ببر، و غنایم دشمنان خود را که یهوه خدایت به تو دهد، بخور. ۱۵ به همه شهرهایی که از تو بسیار دورند که از شهرهای این امت ها نباشند، چنین رفتار نما. ۱۶ اما از شهرهای این امت هایی که یهوه، خدایت، تو را به ملکیت می دهد، هیچ ذی نفس را زنده نگذار. ۱۷ بلکه ایشان را، یعنی حتیان و اموریان و کنعانیان و فرزیان و حویان و یبوسیان را، چنانکه یهوه، خدایت، تو را امر فرموده است، بالکل هلاک ساز. ۱۸ تا شما را تعلیم ندهند که موافق همه مکروهاتی که ایشان با خدایان خود

۱۶ پس در روزی که اموال خود را به پسران خویش تقسیم نماید، نمی‌تواند پسر محبوبه را بر پسر مکروهه که نخست‌زاده است، حق نخست‌زادگی دهد. ۱۷ بلکه سهمی مضاعف از جمیع اموال خود را به پسر مکروهه داده، او را نخست‌زاده خویش اقرار نماید، زیرا که او ابتدای قوت اوست و حق نخست‌زادگی از آن او می‌باشد.

پسر سرکش

۱۸ اگر کسی را پسری سرکش و فتنه‌انگیز باشد، که سخن پدر و سخن مادر خود را گوش ندهد، و هر چند او را تأدیب نمایند ایشان را نشنود، ۱۹ پدر و مادرش او را گرفته، نزد مشایخ شهرش به دروازهٔ محله‌اش بیاورند. ۲۰ و به مشایخ شهرش گویند: «این پسر ما سرکش و فتنه‌انگیز است، سخن ما را نمی‌شنود و مسرف و میگسار است.» ۲۱ پس جمیع اهل شهرش او را به سنگ سنگسار کنند تا بمیرد، پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای و تمامی اسرائیل چون بشنوند، خواهند ترسید.

قوانین دیگر

۲۲ و اگر کسی گناهی را که مستلزم مرگ است، کرده باشد و کشته شود، و او را به دار کشیده باشی، ۲۳ بدنش در شب بردار نماند. او را البته در همان روز دفن کن، زیرا آنکه بر دار آویخته شود ملعون خدا است تا زمینی را که یهوه، خدایت، تو را به ملکیت می‌دهد، نجس نسازی.

دستهای خود را بر گوساله‌ای که گردنش در وادی شکسته شده است، بشویند. ۷ و جواب داده، بگویند: «دستهای ما این خون را نریخته، و چشمان ما ندیده است.

۸ ای خداوند قوم خود اسرائیل را که فدیه داده‌ای بیمارز، و مگذار که خون بی‌گناه در میان قوم تو اسرائیل بماند.» پس خون برای ایشان عفو خواهد شد. ۹ پس خون بی‌گناه را از میان خود رفع کرده‌ای هنگامی که آنچه در نظر خداوند راست است به عمل آورده‌ای.

ازدواج با اسرا

۱۰ چون بیرون روی تا با دشمنان خود جنگ کنی، و یهوه خدایت ایشان را به دست تسلیم نماید و ایشان را اسیر کنی، ۱۱ و در میان اسیران زن خوب صورتی دیده، عاشق او بشوی و بخواهی او را به زنی خود بگیری، ۱۲ پس او را به خانهٔ خود ببر و او سر خود را تراشد و ناخن خود را بگیرد. ۱۳ و رخت اسیری خود را بیرون کرده، در خانهٔ تو بماند، و برای پدر و مادر خود یک ماه ماتم گیرد، و بعد از آن به او درآمده، شوهر او بشو و او زن تو خواهد بود. ۱۴ و اگر از وی راضی نباشی، او را به خواهش دلش رها کن، اما او را به نقره هرگز مفروش و به او سختی مکن چونکه او را ذلیل کرده‌ای.

حق نخست‌زاده

۱۵ و اگر مردی را دو زن باشد، یکی محبوبه و یکی مکروهه، و محبوبه و مکروهه هر دو برایش پسران بزایند، و پسر مکروهه نخست‌زاده باشد،

مکروه داشتن زن

۱۳ اگر کسی برای خود زنی گیرد و چون بدو درآید، او را مکروه دارد، ۱۴ و اسباب حرف بدو نسبت داده، از او اسم بد شهرت دهد و گوید این زن را گرفتم و چون به او نزدیکی نمودم، او را باکره نیافتم، ۱۵ آنگاه پدر و مادر آن دختر علامت بکارت دختر را برداشته، نزد مشایخ شهر نزد دروازه بیاورند. ۱۶ و پدر دختر به مشایخ بگوید: «دختر خود را به این مرد به زنی داده‌ام، و از او کراهت دارد، ۱۷ و اینک اسباب حرف بدو نسبت داده، می‌گوید دختر تو را باکره نیافتم، و علامت بکارت دختر من این است.» پس جامه را پیش مشایخ شهر بگسترانند. ۱۸ پس مشایخ آن شهر آن مرد را گرفته، تنبیه کنند. ۱۹ و او را صد مثقال نقره جریمه نموده، به پدر دختر بدهند چونکه بر باکره اسرائیل بدنامی آورده است. و او زن وی خواهد بود و در تمامی عمرش نمی‌تواند او را رها کند.

۲۰ اما اگر این سخن راست باشد، و علامت بکارت آن دختر پیدا نشود، ۲۱ آنگاه دختر را نزد در خانه پدرش بیرون آورند، و اهل شهرش او را با سنگ سنگسار نمایند تا بمیرد، چونکه در خانه پدر خود زنا کرده، در اسرائیل قباحتی نموده است. پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.

۲۲ اگر مردی یافت شود که با زن شوهرداری همبستر شده باشد، پس هر دو یعنی مردی که با زن خوابیده است و زن، کشته شوند. پس بدی را از اسرائیل دور کرده‌ای.

۲۳ اگر دختر باکره‌ای به مردی نامزد شود و دیگری او را در شهر یافته، با او همبستر شود،

۲۲

اگر گاو یا گوسفند برادر خود را گم شده بینی، از او رومگردان. آن را البته نزد برادر خود برگردان. ۲ و اگر برادرت نزدیک تو نباشد یا او را نشناسی، آن را به خانه خود بیاور و نزد تو بماند، تا برادرت آن را طلب نماید، آنگاه آن را به او رد نما. ۳ و به الاغ او چنین کن و به لباسش چنین عمل نما و به هر چیز گمشده برادرت که از او گم شود و یافته باشی چنین عمل نما، نمی‌توانی از او رومگردانی. ۴ اگر الاغ یا گاو برادرت را در راه افتاده بینی، از آن رومگردان، البته آن را با او برخیزان.

۵ متاع مرد بر زن نباشد، و مرد لباس زن را نپوشد، زیرا هر که این را کند مکروه یَهُوه خدای توست.

۶ اگر اتفاقاً آشیانه مرغی در راه به نظر تو آید، خواه بر درخت یا بر زمین، و در آن بچه‌ها یا تخمها باشد، و مادر بر بچه‌ها یا تخمها نشسته، مادر را با بچه‌ها مگیر. ۷ مادر را البته رها کن و بچه‌ها را برای خود بگیر، تا برای تو نیکو شود و عمر دراز کنی.

۸ چون خانه نو بنا کنی، بر پشت بام خود دیواری بساز، مبادا کسی از آن بیفتد و خون بر خانه خود بیاوری.

۹ در تارکستان خود دو قسم تخم مکار، مبادا تمامی آن، یعنی هم تخمی که کاشته‌ای و هم محصول تارکستان، وقف شود.

۱۰ گاو و الاغ را با هم جفت کرده، شیار منما. ۱۱ پارچه مختلط از پشم و کتان با هم می‌پوش. ۱۲ بر چهار گوشه رخت خود که خود را به آن می‌پوشانی، رشته‌ها بساز.

جماعت خداوند نشود.^۴ زیرا وقتی که شما از مصر بیرون آمدید، شما را در راه به نان و آب استقبال نکردند، و از این جهت که بلعام پسر بعور را از فتور ارام نهرین اجیر کردند تا تو را لعنت کند.^۵ اما یهوه خدایت نخواست بلعام را بشنود، پس یهوه خدایت لعنت را به جهت تو، به برکت تبدیل نمود، چونکه یهوه خدایت تو را دوست می‌داشت.^۶ ابداً در تمامی عمرت جویای خیریت و سعادت ایشان مباش.

^۷ ادومی را دشمن مدار چونکه برادر توست، و مصری را دشمن مدار چونکه در زمین وی غریب بودی.^۸ اولادی که از ایشان زاییده شوند، در پشت سوم داخل جماعت خداوند شوند.

تقدیس اردو

^۹ چون در اردو به مقابله دشمنانت بیرون روی، خوشتن را از هر چیز بد نگاه‌دار.

^{۱۰} اگر در میان شما کسی باشد که از احتلام شب نجس شود، از اردو بیرون رود و داخل اردو نشود.^{۱۱} چون شب نزدیک شود، با آب غسل کند، و چون آفتاب غروب کند، داخل اردو شود.

^{۱۲} و تو را مکانی بیرون از اردو باشد تا به آنجا بیرون روی.^{۱۳} و در میان اسباب تو میخی باشد، و چون بیرون می‌نشینی با آن بکن و برگشته، فضله خود را از آن بیوشان.^{۱۴} زیرا که یهوه خدایت در میان اردوی تو می‌خرامد تا تو را رهایی داده، دشمنانت را به تو تسلیم نماید؛ پس اردوی تو مقدس باشد، مبادا چیز پلید را در میان تو دیده، از تو روگرداند.

^{۲۴} پس هر دو ایشان را نزد دروازه شهر بیرون آورده، ایشان را با سنگها سنگسار کنند تا بمیرند؛ اما دختر را چونکه در شهر بود و فریاد نکرد، و مرد را چونکه زن همسایه خود را ذلیل ساخت، پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.

^{۲۵} اما اگر آن مرد دختری نامزد را در صحرا یابد و آن مرد به او زور آورده، با او بخوابد، پس آن مرد که با او خوابید، تنها کشته شود.^{۲۶} و اما با دختر هیچ مکن زیرا بر دختر، گناه مستلزم مرگ نیست، بلکه این مثل آن است که کسی بر همسایه خود برخاسته، او را بکشد،^{۲۷} چونکه او را در صحرا یافت و دختر نامزد فریاد برآورد و برایش رهاننده‌ای نبود.

^{۲۸} و اگر مردی دختر باکره‌ای را که نامزد نباشد بیابد و او را گرفته، با او همبستر شود و گرفتار شوند،^{۲۹} آنکه آن مرد که با او خوابیده است پنجاه مثقال نقره به پدر دختر بدهد و آن دختر زن او باشد، چونکه او را ذلیل ساخته است و در تمامی عمرش نمی‌تواند او را رها کند.

^{۳۰} هیچ کس زن پدر خود را نگیرد و دامن پدر خود را منکشف نسازد.

ممانعت از حضور در جماعت خداوند

شخصی که کوبیده بیضه و آلت بریده باشد، داخل جماعت خداوند نشود.^۲ حرام‌زاده‌ای داخل جماعت خداوند نشود، حتی تا پشت دهم احدی از او داخل جماعت خداوند نشود.^۳ عمونی و موآبی داخل جماعت خداوند نشوند. حتی تا پشت دهم، احدی از ایشان هرگز داخل

احکام مختلف

۱۵ غلامی را که از آقای خود نزد تو بگریزد، به آقایش مسپار. ۱۶ با تو در میان تو در مکانی که برگزیند در یکی از شهرهای تو که به نظرش پسند آید، ساکن شود، و بر او جفا منما.

۱۷ از دختران اسرائیل فاحشه‌ای نباشد و از پسران اسرائیل لواطی نباشد. ۱۸ اجرت فاحشه و قیمت سگ را برای هیچ نذری به خانه یهوه خدایت میاور، زیرا که این هر دو نزد یهوه خدایت مکروه است.

۱۹ برادر خود را به سود قرض مده نه به سود نقره و نه به سود آذوقه و نه به سود هر چیزی که به سود داده می‌شود. ۲۰ غریب را می‌توانی به سود قرض بدهی، اما برادر خود را به سود قرض مده تا یهوه خدایت در زمینی که برای تصرفش داخل آن می‌شوی، تو را به هر چه دستت را بر آن دراز می‌کنی، برکت دهد.

۲۱ چون نذری برای یهوه خدایت می‌کنی در وفای آن تأخیر منما، زیرا که یهوه خدایت البته آن را از تو مطالبه خواهد نمود، و برای تو گناه خواهد بود. ۲۲ اما اگر از نذر کردن ابا نمایی، تو را گناه نخواهد بود. ۲۳ آنچه را که از دهانت بیرون آید، هوشیار باش که به جا آوری، موافق آنچه برای یهوه خدایت از اراده خود نذر کرده‌ای و به زبان خود گفته‌ای.

۲۴ چون به تاکستان همسایه خود درآیی، از انگور، هر چه می‌خواهی به سیرری بخور، اما در ظرف خود هیچ مگذار.

۲۵ چون به کشتزار همسایه خود داخل شوی، خوشه‌ها را به دست خود بچین، اما داس بر

کشت همسایه خود مگذار.

۲۴ چون کسی زنی گرفته، به نکاح خود درآورد، اگر در نظر او پسند

نیاید از این که چیزی ناشایسته در او بیابد، آنگاه طلاق‌نامه‌ای نوشته، به دستش دهد، و او را از

خانه‌اش رها کند. ۲ و از خانه او روانه شده، برود و زن دیگری شود. ۳ و اگر شوهر دیگر نیز او را مکروه دارد و طلاق‌نامه‌ای نوشته، به دستش

بدهد و او را از خانه‌اش رها کند، یا اگر شوهری دیگر که او را به زنی گرفت، بمیرد، ۴ شوهر

اول که او را رها کرده بود، نمی‌تواند دوباره او را به نکاح خود درآورد. بعد از آن که ناپاک شده

است، زیرا که این به نظر خداوند مکروه است. پس بر زمینی که یهوه، خدایت، تو را به ملکیت

می‌دهد، گناه می‌اور.

۵ چون کسی زن تازه‌ای بگیرد، در لشکر بیرون نرود، و هیچ کار به او تکلیف نشود، تا یک سال

در خانه خود آزاد بماند، و زنی را که گرفته است، مسرور سازد.

۶ هیچکس آسیا یا سنگ بالایی آن را به گرو نگیرد، زیرا که جان را به گرو گرفته است.

۱۷ اگر کسی یافت شود که یکی از برادران خود از بنی اسرائیل را دزدیده، بر او ظلم کند یا بفروشد،

آن دزد کشته شود، پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.

۸ درباره‌ی بلای برص هوشیار باش که به هر آنچه لایوان کهنه شما را تعلیم دهند، به دقت

توجه نموده، عمل نمایند و موافق آنچه به ایشان امر فرمودم، هوشیار باشید که عمل نمایید. ۹ به

یاد آور که یهوه خدایت در راه با مریم چه کرد،

وقتی که شما از مصر بیرون آمدید. ۱۰ چون به همسایه خود هر قسم قرض دهی، برای گرفتن گرو به خانه اش داخل مشو. ۱۱ بلکه بیرون بایست تا شخصی که به او قرض می دهی گرو را نزد تو بیرون آورد. ۱۲ و اگر مرد فقیر باشد در گرو او مخواب. ۱۳ البته به وقت غروب آفتاب، گرو را به او پس بده، تا در رخت خود بخوابد و تو را برکت دهد و به حضور یهوه خدایت، عدالت شمرده خواهد شد.

۲۵ اگر در میان مردم مرافعه ای باشد و به محاکمه آیند و در میان ایشان داوری نمایند، آنگاه عادل را عادل شمارند، و شریر را ملزم سازند. ۲ و اگر شریر مستوجب تازیانه باشد، آنگاه داوژ او را بخواباند و حکم دهد تا او را موافق شرارتش به حضور خود به شماره بزنند. ۳ چهل تازیانه او را بزند و زیاد نکند، مبادا اگر از این زیاده کرده، تازیانه بسیار زند، برادرت در نظر تو خوار شود. ۴ دهن گاو را هنگامی که خرمن را خرد می کند، میند.

۵ اگر برادران با هم ساکن باشند و یکی از آنها بی اولاد بمیرد، پس زن آن متوفی، خارج به شخص بیگانه داده نشود، بلکه برادر شوهرش به او درآمده، او را برای خود به زنی بگیرد، و حق برادر شوهری را با او به جا آورد. ۶ و نخست زاده ای که بزاید به اسم برادر متوفی او وارث گردد، تا اسمش از اسرائیل محو نشود. ۷ و اگر آن مرد به گرفتن زن برادرش راضی نشود، آنگاه زن برادرش به دروازه نزد مشایخ برود و گوید: «برادر شوهر من از برپا داشتن اسم برادر خود در اسرائیل انکار می کند، و از به جا آوردن حق برادر شوهری با من ابا می نماید.» ۸ پس مشایخ شهرش او را طلبیده، با وی گفتگو

۱۴ بر مزدوری که فقیر و مسکین باشد، خواه از برادرانست و خواه از غریبانی که در زمینت در اندرون دروازه های تو باشند ظلم منما. ۱۵ در همان روز مزدش را بده، و آفتاب بر آن غروب نکند، چونکه او فقیر است و دل خود را به آن بسته است، مبادا بر تو نزد خداوند فریاد برآورد و برای تو گناه باشد.

۱۶ پدران به عوض پسران کشته نشوند، و نه پسران به عوض پدران کشته شوند. هر کس برای گناه خود کشته شود.

۱۷ داوری غریب و یتیم را منحرف مساز، و جامه بیهه را به گرو مگیر. ۱۸ و به یاد آور که در مصر غلام بودی و یهوه، خدایت، تو را از آنجا فدیة داد. بنابراین من تو را امر می فرمایم که این کار را معمول داری.

۱۹ چون محصول خود را در مزرعه خویش درو کنی، و در مزرعه، بافه ای فراموش کنی، برای برداشتن آن بر مگرد؛ برای غریب و یتیم و بیهه زن باشد تا یهوه خدایت تو را در همه کارهای دستت برکت دهد. ۲۰ چون زیتون خود را بتکانی، بار دیگر شاخه ها را متکان؛ برای

نوبیر و ده یک

۲۶ و چون به زمینی که یهوه خدایت تو را نصیب می دهد داخل شدی، و در آن تصرف نموده، ساکن گردیدی، ۲ آنگاه نوبیر تمامی حاصل زمین را که از زمینی که یهوه خدایت به تو می دهد، جمع کرده باشی بگیر، و آن را در سبد گذاشته، به مکانی که یهوه خدایت برگزید تا نام خود را در آن ساکن گرداند، برو. ۳ و نزد کاهنی که در آن روزها باشد رفته، وی را بگو: «امروز برای یهوه خدایت اقرار می کنم که به زمینی که خداوند برای پدران ما قسم خورد که به ما بدهد، داخل شده ام.» ۴ و کاهن سبد را از دست گرفته، پیش مذبح یهوه خدایت بگذارد. ۵ پس تو به حضور یهوه خدای خود اقرار کرده، بگو: «پدر من آرامی آواره بود، و با عددی قلیل به مصر فرود شده، در آنجا غربت پذیرفت، و در آنجا امتی بزرگ و عظیم و کثیر شد. ۶ و مصریان با ما بدرفتاری نموده، ما را ذلیل ساختند، و بندگی سخت بر ما نهادند. ۷ و چون نزد یهوه، خدای پدران خود، فریاد برآوردیم، خداوند آواز ما را شنید و مشقت و محنت و تنگی ما را دید. ۸ و خداوند ما را از مصر به دست قوی و بازوی افراشته و ترس عظیم، و با آیات و معجزات بیرون آورد. ۹ و ما را به این مکان درآورده، این زمین را زمینی که به شیر و شهد جاری است به ما بخشید. ۱۰ و الآن اینک نوبیر حاصل زمینی را که تو ای خداوند به من دادی، آورده ام.» پس آن را به حضور یهوه خدای خود بگذار، و به حضور یهوه، خدایت، عبادت نما. ۱۱ و تو با لای و غریبی که در میان تو باشد از تمامی نیکویی

کنند، و اگر اصرار کرده، بگوید نمی خواهیم او را بگیرم، ۹ آنگاه زن برادرش نزد وی آمده، به حضور مشایخ کفش او را از پایش بکنند، و به رویش آب دهن اندازد، و در جواب گوید: «با کسی که خانه برادر خود را بنا نکند، چنین کرده شود.» ۱۰ و نام او در اسرائیل، خانه کفش کنده خوانده شود.

۱۱ و اگر دو شخص با یکدیگر منازعه نمایند، و زن یکی پیش آید تا شوهر خود را از دست زنده اش رها کند و دست خود را دراز کرده، عورت او را بگیرد، ۱۲ پس دست او را قطع کن و چشم تو بر او ترحم نکند.

۱۳ در کیسه تو وزنه های مختلف، بزرگ و کوچک نباشد. ۱۴ در خانه تو کیلهای مختلف، بزرگ و کوچک، نباشد. ۱۵ تو را وزن صحیح و راست باشد و تو را کیل صحیح و راست باشد، تا عمرت در زمینی که یهوه، خدایت، به تو می دهد دراز شود. ۱۶ زیرا هر که این کار کند یعنی هر که بی انصافی نماید، نزد یهوه خدایت مکروه است.

۱۷ به یاد آور آنچه عمالیق وقت بیرون آمدنت از مصر در راه به تو نمودند. ۱۸ که چگونه تو را در راه، مقابله کرده، همه و اماندگان را در عقب تو از موخرت قطع نمودند، در حالی که تو ضعیف و وامانده بودی و از خدا نترسیدند. ۱۹ پس چون یهوه خدایت تو را در زمینی که یهوه، خدایت، تو را برای تصرفش نصیب می دهد، از جمیع دشمنان آرامی بخشد، آنگاه ذکر عمالیق را از زیر آسمان محو ساز و فراموش مکن.

او را نگاه داری. ۱۹ و تا تو را در ستایش و نام و اکرام از جمیع امت‌هایی که ساخته است، بلند گردانند، و تا برای یهوه، خدایت، قوم مقدس باشی، چنانکه وعده داده است.

مذبح در کوه عیبال

۲۷ و موسی و مشایخ اسرائیل، قوم را امر فرموده، گفتند: «تمامی اوامری را که من امروز به شما امر می‌فرمایم، نگاه دارید. ۲ و در روزی که از اردن به زمینی که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد عبور کنی، برای خود سنگهای بزرگ برپا کرده، آنها را با گچ بمال. ۳ و بر آنها تمامی کلمات این شریعت را بنویس، هنگامی که عبور نمایی تا به زمینی که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد، داخل شوی، زمینی که به شیر و شهد جاری است، چنانکه یهوه خدای پدرانت به تو وعده داده است. ۴ و چون از اردن عبور نمودی این سنگها را که امروز به شما امر می‌فرمایم در کوه عیبال برپا کرده، آنها را با گچ بمال. ۵ و در آنجا مذبحی برای یهوه خدایت بنا کن، و مذبح از سنگها باشد و آلت آهنین بر آنها بکار مبر. ۶ مذبح یهوه خدای خود را از سنگهای ناتراشیده بنا کن، و قربانی‌های سوختنی برای یهوه خدایت، بر آن بگذران. ۷ و ذبایح صلح ذبح کرده، در آنجا بخور و به حضور یهوه خدایت شادی نما. ۸ و تمامی کلمات این شریعت را بر آن به خط روشن بنویس.»

لعنت‌ها

۹ پس موسی و لاویان کهنه تمامی اسرائیل

که یهوه، خدایت، به تو و به خاندانت بخشیده است، شادی خواهی نمود.

۱۲ و در سال سوم که سال ده یک است، چون از گرفتن تمامی ده یک محصول خود فارغ شدی، آن را به لاوی و غریب و یتیم و بیوه زن بده، تا در اندرون دروازه‌های تو بخورند و سیر شوند. ۱۳ و به حضور یهوه خدایت بگو: «موقوفات را از خانه خود بیرون کردم، و آنها را نیز به لاوی و غریب و یتیم و بیوه زن، موافق تمامی اوامری که به من امر فرمودی، دادم، و از اوامر تو تجاوز ننموده، فراموش نکردم. ۱۴ در ماتم خود از آنها نخوردم و در نجاستی از آنها صرف ننمودم، و برای اموات از آنها ندادم، بلکه به قول یهوه، خدایم، گوش داده، موافق هر آنچه به من امر فرمودی، رفتار نمودم. ۱۵ از مسکن مقدس خود از آسمان بنگر، و قوم خود اسرائیل و زمینی را که به ما دادی چنانکه برای پدران ما قسم خوردی، زمینی که به شیر و شهد جاری است، برکت بده.»

نگهداری اوامر خدا

۱۶ امروز یهوه، خدایت، تو را امر می‌فرماید که این فرایض و احکام را به جا آوری، پس آنها را به تمامی دل و تمامی جان خود نگاه داشته، به جا آور. ۱۷ امروز به یهوه اقرار نمودی که خدای توست، و اینکه به طریقه‌های او سلوک خواهی نمود، و فرایض و اوامر و احکام او را نگاه داشته، آواز او را خواهی شنید. ۱۸ و خداوند امروز به تو اقرار کرده است که تو قوم خاص او هستی، چنانکه به تو وعده داده است، و تا تمامی اوامر

را خطاب کرده، گفتند: ۱۰ «ای اسرائیل خاموش باش و بشنو. امروز قوم یَهُوَه خدایت شدی. ۱۱ پس آواز یَهُوَه خدایت را بشنو و اوامر و فرایض او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم، به جا آر.»

و در آن روز موسی قوم را امر فرموده، گفت: ۱۲ «چون از اردن عبور کردید، اینان یعنی شمعون و لاوی و یهودا و یساکار و یوسف و بنیامین بر کوه جرزیم بایستند تا قوم را برکت دهند. ۱۳ و اینان یعنی رُوبین و جاد و اشیر و زبولون و دان و نفتالی بر کوه عیبال بایستند تا نفرین کنند. ۱۴ و لاویان جمیع مردان اسرائیل را به آواز بلند خطاب کرده، گویند:

۱۵ «ملعون باد کسی که صورت تراشیده یا ریخته شده از صنعت دست کارگر که نزد خداوند مکروه است، بسازد، و مخفی نگاه دارد.» و تمامی قوم در جواب بگویند: «آمین!» ۱۶ «ملعون باد کسی که با پدر و مادر خود به خَفْت رفتار نماید.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!» ۱۷ «ملعون باد کسی که حد همسایه خود را تغییر دهد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

۱۸ «ملعون باد کسی که نابینا را از راه منحرف سازد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!» ۱۹ «ملعون باد کسی که داوری غریب و یتیم و بیوه را منحرف سازد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

۲۰ «ملعون باد کسی که با زن پدر خود همبستر شود، چونکه دامن پدر خود را کشف نموده‌است.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

۲۱ «ملعون باد کسی که با هر قسم چهارپا

بخوابد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!» ۲۲ «ملعون باد کسی که با خواهر خویش چه دختر پدر و چه دختر مادر خویش بخوابد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

۲۳ «ملعون باد کسی که با مادر زن خود بخوابد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

۲۴ «ملعون باد کسی که همسایه خود را در پنهانی بزند.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

۲۵ «ملعون باد کسی که رشوه گیرد تا خون بی‌گناهی ریخته شود.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

۲۶ «ملعون باد کسی که کلمات این شریعت را اثبات ننماید تا آنها را به جا نیاورد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

برکت

۲۸ «و اگر آواز یَهُوَه خدای خود را به دقت بشنوی تا هوشیار شده، تمامی اوامر او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم به جا آوری، آنگاه یَهُوَه خدایت تو را بر جمیع امت‌های جهان بلند خواهد گردانید. ۲ و تمامی این برکتها به تو خواهد رسید و تو را خواهد دریافت، اگر آواز یَهُوَه خدای خود را بشنوی. ۳ در شهر، مبارک و در صحرا، مبارک خواهی بود. ۴ میوه بطن تو و میوه زمین تو و میوه چهار پایانت و بچه‌های گاو و بره‌های گله تو مبارک خواهند بود. ۵ سبب و ظرف خمیر تو مبارک خواهد بود. ۶ وقت درآمدنت مبارک، و وقت بیرون رفتنت مبارک خواهی بود.

۷ «و خداوند دشمنانت را که با تو مقاومت

تا هوشیار شده، همه اوامر و فرایض او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم به جا آوری، آنگاه جمیع این لعنتها به تو خواهد رسید، و تو را خواهد دریافت. ۱۶ در شهر ملعون، و در صحرا ملعون خواهی بود. ۱۷ سبب و ظرف خمیر تو ملعون خواهد بود. ۱۸ میوه بطن تو و میوه زمین تو و بچه‌های گاو و بره‌های گله تو ملعون خواهد بود. ۱۹ وقت درآمدت ملعون، و وقت بیرون رفتنت ملعون خواهی بود. ۲۰ و به هر چه دست خود را برای عمل نمودن دراز می‌کنی، خداوند بر تو لعنت و اضطراب و سرزنش خواهد فرستاد تا به زودی هلاک و نابود شوی، به سبب بدی کارهایت که به آنها مرا ترک کرده‌ای. ۲۱ خداوند و با را بر تو مُلصَق خواهد ساخت، تا تو را از زمینی که برای تصرفش به آن داخل می‌شوی، هلاک سازد. ۲۲ و خداوند تو را با سل و تب و التهاب و حرارت و شمشیر و باد سموم و یرقان خواهد زد، و تو را تعاقب خواهند نمود تا هلاک شوی. ۲۳ و فلک تو که بالای سر تو است مس خواهد شد، و زمینی که زیر تو است آهن. ۲۴ و خداوند باران زمینت را گرد و غبار خواهد ساخت، که از آسمان بر تو نازل شود تا هلاک شوی.

۲۵ «و خداوند تو را پیش روی دشمنانت مغلوب خواهد ساخت. از یک راه بر ایشان بیرون خواهی رفت، و از هفت راه از حضور ایشان خواهی گریخت، و در تمامی ممالک جهان به تلاطم خواهی افتاد. ۲۶ و بدن شما برای همه پرنندگان هوا و چهار پایان زمین خوراک خواهد بود، و هیچ کس آنها را دور

نمایند، از حضور تو مغلوب خواهد ساخت؛ از یک راه بر تو خواهند آمد، و از هفت راه پیش تو خواهند گریخت. ۸ خداوند در انبارهای تو و به هر چه دست خود را به آن دراز می‌کنی بر تو برکت خواهد فرمود، و تو را در زمینی که یهوه خدایت به تو می‌دهد، مبارک خواهد ساخت. ۹ و اگر اوامر یهوه خدای خود را نگاهداری، و در طریقه‌های او سلوک نمایی، خداوند تو را برای خود قوم مقدس خواهد گردانید، چنانکه برای تو قَسَم خورده است. ۱۰ و جمیع امت‌های زمین خواهند دید که نام خداوند بر تو خوانده شده است، و از تو خواهند ترسید. ۱۱ و خداوند تو را در میوه بطنت و ثمره چهار پایانت و محصول زمینت، در زمینی که خداوند برای پدرانت قسم خورده که به تو بدهد، به نیکویی خواهد افزود. ۱۲ و خداوند خزینه نیکوی خود، یعنی آسمان را برای تو خواهد گشود، تا باران زمین تو را در موسمش بباراند، و تو را در جمیع اعمال دست مبارک سازد؛ و به امت‌های بسیار قرض خواهی داد، و تو قرض نخواهی گرفت. ۱۳ و خداوند تو را سر خواهد ساخت نه دم، و بلند خواهی بود فقط نه پست، اگر اوامر یهوه خدای خود را که من امروز به تو امر می‌فرمایم بشنوی، و آنها را نگاه داشته، به جا آوری. ۱۴ و از همه سخنانی که من امروز به تو امر می‌کنم به طرف راست یا چپ میل نکنی، تا خدایان غیر را پیروی نموده، آنها را عبادت کنی.

لعنت

۱۵ «و اما اگر آواز یهوه خدای خود را نشنوی

میان تمامی امت‌هایی که خداوند شما را به آنجا خواهد برد، عبرت و مثل و سُخریه خواهی شد. ۳۸ «تخم بسیار به مزرعه خواهی برد، و اندکی جمع خواهی کرد چونکه ملخ آن را خواهد خورد. ۳۹ تا کستانها غرس نموده، خدمت آنها را خواهی کرد، اما شراب را نخواهی نوشید و انگور را نخواهی چید، زیرا اکرم آن را خواهد خورد. ۴۰ تو را در تمامی حدودت درختان زیتون خواهد بود، اما خویشتن را به زیت تدهین خواهی کرد، زیرا زیتون تو نارس ریخته خواهد شد. ۴۱ پسران و دختران خواهی آورد، اما از آن تو نخواهند بود، چونکه به اسیری خواهند رفت. ۴۲ تمامی درختانت و محصول زمین را ملخ به تصرف خواهد آورد. ۴۳ غریبی که در میان تو است بر تو به نهایت رفیع و برافراشته خواهد شد، و تو به نهایت پست و متنزل خواهی گردید. ۴۴ او به تو قرض خواهد داد و تو به او قرض نخواهی داد؛ او سر خواهد بود و تو دم خواهی بود.

۴۵ «و جمیع این لعنتها به تو خواهد رسید، و تو را تعاقب نموده، خواهد دریافت تا هلاک شوی، از این جهت که قول یَهُوه خدایت را گوش ندادی تا او امر و فریضی را که به تو امر فرموده بود، نگاه داری. ۴۶ و تو را و نسل تو را تا به ابد آیت و شگفت خواهد بود.

۴۷ «از این جهت که یَهُوه خدای خود را به شادمانی و خوشی دل برای فراوانی همه چیز عبادت نمودی. ۴۸ پس دشمنانت را که خداوند بر تو خواهد فرستاد در گرسنگی و تشنگی و برهنگی و احتیاج همه چیز خدمت خواهی

نخواهد کرد. ۲۷ خداوند تو را به دُنبل مصر و خُراج و جَرَب و خارشی که تو از آن شفا نتوانی یافت، مبتلا خواهد ساخت. ۲۸ خداوند تو را به دیوانگی و نابینایی و پریشانی دل مبتلا خواهد ساخت. ۲۹ و در وقت ظهر مثل کوری که در تاریکی لمس نماید کورانه راه خواهی رفت، و در راه‌های خود کامیاب نخواهی شد، بلکه در تمامی روزهایت مظلوم و غارت شده خواهی بود، و نجات‌دهنده‌ای نخواهد بود. ۳۰ زنی را نامزد خواهی کرد و دیگری با او خواهد خوابید. خانه‌ای بنا خواهی کرد و در آن ساکن خواهی شد. تا کستانی غرس خواهی نمود و میوه‌اش را نخواهی خورد. ۳۱ گاو در نظرت کشته شود و از آن خواهی خورد. الاغت پیش روی تو به غارت برده شود و باز به دست تو نخواهد آمد. گوسفند تو به دشمنت داده می‌شود و برای تو رهاننده‌ای نخواهد بود. ۳۲ پسران و دخترانت به امت دیگر داده می‌شوند، و چشمانت نگریسته از آرزوی ایشان تمامی روز کاهیده خواهد شد، و در دست تو هیچ قوه‌ای نخواهد بود. ۳۳ میوه زمین و مشقت تو را امتی که نشناخته‌ای، خواهند خورد، و همیشه فقط مظلوم و کوفته شده خواهی بود. ۳۴ به حدی که از چیزهایی که چشمت می‌بیند، دیوانه خواهی شد. ۳۵ خداوند زانوها و ساقها و از کف پا تا فرق سر تو را به دُنبل بد که از آن شفا نتوانی یافت، مبتلا خواهد ساخت. ۳۶ خداوند تو را و پادشاهی را که بر خود نصب می‌نمایی، به سوی امتی که تو و پدرانت نشناخته‌اید، خواهد برد، و در آنجا خدایان غیر را از چوب و سنگ عبادت خواهی کرد. ۳۷ و در

میان پایهای او درآید و بر اولادی که بزاید زیرا که آنها را به سبب احتیاج همه چیز در محاصره و تنگی که دشمنان در دروازه‌هایت به آن تو را بزبون سازند، به پنهانی خواهد خورد.»

۵۸ اگر به عمل نمودن تمامی کلمات این شریعت که در این کتاب مکتوب است، هوشیار نشوی و از این نام مجید و مهیب، یعنی یَهُوه، خدایت، نترسی، ۵۹ آنگاه خداوند بلایای تو و بلایای اولاد تو را عجیب خواهد ساخت، یعنی بلایای عظیم و مزمن و مرضهای سخت و مزمن. ۶۰ و تمامی بیماریهای مصر را که از آنها می‌ترسیدی بر تو باز خواهد آورد و به تو خواهد چسبید. ۶۱ و نیز همهٔ مرضها و همهٔ بلایایی که در طومار این شریعت مکتوب نیست، آنها را خداوند بر تو مستولی خواهد گردانید تا هلاک شوی. ۶۲ و گروه قلیل خواهی ماند، برعکس آن که مثل ستارگان آسمان کثیر بودید، زیرا که آواز یَهُوه خدای خود را نشنیدید. ۶۳ و واقع می‌شود چنانکه خداوند بر شما شادی نمود تا به شما احسان کرده، شما را بیفزاید همچین خداوند بر شما شادی خواهد نمود تا شما را هلاک و نابود گرداند، و ریشه شما از زمینی که برای تصرفش در آن داخل می‌شوید کنده خواهد شد. ۶۴ و خداوند تو را در میان جمیع امت‌ها از کران زمین تا کران دیگرش پراکنده سازد و در آنجا خدایان غیر را از چوب و سنگ که تو و پدرانت نشناخته‌اید، عبادت خواهی کرد. ۶۵ و در میان این امت‌ها استراحت نخواهی یافت و برای کف پایت آرامی نخواهد بود، و در آنجا یَهُوه تو را دل لرزان و کاهیدگی چشم و پژمردگی جان خواهد

نمود، و یوغ آهنین بر گردنت خواهد گذاشت تا تو را هلاک سازد. ۴۹ و خداوند از دور، یعنی از اقصای زمین، امتی را که مثل عقاب می‌پرد بر تو خواهد آورد، امتی که زبانش را نخواهی فهمید. ۵۰ امتی مهیب صورت که طرف پیران را نگاه ندارد و بر جوانان ترحم ننماید. ۵۱ و نتایج چهار پایان و محصول زمینت را بخورد تا هلاک شوی. و برای تو نیز غله و شیر و روغن و بچه‌های گاو و بره‌های گوسفند را باقی نگذارد تا تو را هلاک سازد. ۵۲ و تو را در تمامی دروازه‌های محاصره کند تا دیوارهای بلند و حصین که بر آنها توکل داری، در تمامی زمینت منهدم شود؛ و تو را در تمامی دروازه‌هایت، در تمامی زمینی که یَهُوه خدایت به تو می‌دهد، محاصره خواهد نمود. ۵۳ و میوهٔ بطن خود، یعنی گوشت پسران و دخترانت را که یَهُوه خدایت به تو می‌دهد در محاصره و تنگی که دشمنان تو را به آن بزبون خواهند ساخت، خواهی خورد. ۵۴ مردی که در میان شما نرم و بسیار متنعم است، چشمش بر برادر خود و زن هم‌آغوش خویش و بقیهٔ فرزندانش که باقی می‌مانند بد خواهد بود. ۵۵ به حدی که به احدی از ایشان از گوشت پسران خود که می‌خورد نخواهد داد زیرا که در محاصره و تنگی که دشمنان تو را در تمامی دروازه‌هایت به آن بزبون سازند، چیزی برای او باقی نخواهد ماند. ۵۶ و زنی که در میان شما نازک و متنعم است که به سبب تنعم و نازکی خود جرأت نمی‌کرد که کف پای خود را به زمین بگذارد، چشم او بر شوهر هم‌آغوش خود و پسر و دختر خویش بد خواهد بود. ۵۷ و بر مَشیمه‌ای که از

باشان، به مقابله شما برای جنگ بیرون آمدند و آنها را مغلوب ساختیم.^۸ و زمین ایشان را گرفته، به رؤیینیان و جادیان و نصف سبط منسی به ملکیت دادیم.^۹ پس کلمات این عهد را نگاه داشته، به جا آورید تا در هر چه کنید کامیاب شوید.

۱۰ «امروز جمیع شما به حضور یهوه، خدای خود حاضرید، یعنی رؤسای شما و اسباط شما و مشایخ شما و سروران شما و جمیع مردان اسرائیل،^{۱۱} و اطفال و زنان شما و غریبی که در میان اردوی شماست از هیزمشکنان تا آب کشان شما،^{۱۲} تا در عهد یهوه خدایت و سوگند او که یهوه خدایت امروز با تو استوار می سازد، داخل شوی.^{۱۳} تا تو را امروز برای خود قومی برقرار دارد، و او خدای تو باشد چنانکه به تو گفته است، و چنانکه برای پدرانست، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورده است.^{۱۴} و من این عهد و این قسم را با شما تنها استوار نمی نمایم،^{۱۵} بلکه با آنانی که امروز با ما به حضور یهوه خدای ما در اینجا حاضرند، و هم با آنانی که امروز در اینجا با ما حاضر نیستند.^{۱۶} زیرا شما می دانید که چگونه در زمین مصر سکونت داشتیم، و چگونه از میان امت هایی که عبور نمودید، گذشتیم.^{۱۷} و مکروهات و بتهای ایشان را از چوب و سنگ و نقره و طلا که در میان ایشان بود، دیدید.^{۱۸} تا در میان شما مرد یا زن یا قبیله یا سبطی نباشد که دلش امروز از یهوه خدای ما منحرف گشته، برود و خدایان این طوایف را عبادت نماید، مبادا در میان شما ریشه ای باشد که حنظل و افسنتین بار آورد.

داد.^{۶۶} و جان تو پیش رویت معلق خواهد بود، و شب و روز ترسناک شده، به جان خود اطمینان نخواهی داشت.^{۶۷} بامدادان خواهی گفت: کاش که شام می بود، و شامگاهان خواهی گفت: کاش که صبح می بود، به سبب ترس دلت که به آن خواهی ترسید، و به سبب رؤیت چشمت که خواهی دید.^{۶۸} و خداوند تو را در کشتیها از راهی که به تو گفتم آن را دیگر نخواهی دید به مصر باز خواهد آورد، و خود را در آنجا به دشمنان خویش برای غلامی و کنیزی خواهید فروخت و مشتری نخواهد بود.»

نگه داشتن احکام خداوند

این است کلمات عهدی که خداوند در زمین مواب به موسی امر فرمود که با بنی اسرائیل ببندد، سوای آن عهد که با ایشان در حوریب بسته بود.

۲ و موسی تمامی اسرائیل را خطاب کرده، به ایشان گفت: «هر آنچه خداوند در زمین مصر با فرعون و جمیع بندگاننش و تمامی زمینش عمل نمود، شما دیده اید.^۳ تجربه های عظیم که چشمان تو دید و آیات و آن معجزات عظیم.^۴ اما خداوند دلی را که بدانید و چشمانی را که ببینید و گوشه هایی را که بشنوید تا امروز به شما نداده است.^۵ و شما را چهل سال در بیابان رهبری نمودم که لباس شما مندرس نگردید، و کفشها در پای شما پاره نشد.^۶ نان نخورده و شراب و مسکرت نوشیده اید، تا بدانید که من یهوه خدای شما هستم.^۷ و چون به اینجا رسیدید، سیحون، ملک حشبون، و عوج، ملک

۲۹

۲۷ پس خشم خداوند بر این زمین افروخته شده، تمامی لعنت را که در این کتاب مکتوب است، بر آن آورد. ۲۸ و خداوند ریشهٔ ایشان را به غضب و خشم و غیض عظیم، از زمین ایشان کند و به زمین دیگر انداخت، چنانکه امروز شده است. ۲۹ چیزهای مخفی از آن یهوه خدای ماست و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ما است، تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم.

برای بازگشت به سوی خدا

و چون جمیع این چیزها، یعنی **۳۰** برکت و لعنتی که پیش روی تو گذاشتم بر تو عارض شود، و آنها را در میان جمیع امت‌هایی که یهوه، خدایت، تو را به آنجا خواهد راند، به یاد آوری، ۲ و تو با فرزندان با تمامی دل و تمامی جان خود به سوی یهوه خدایت بازگشت نموده، قول او را موافق هر آنچه که من امروز به تو امر می‌فرمایم، اطاعت نمایی، ۳ آنگاه یهوه خدایت اسیری تو را برگردانیده، بر تو ترحم خواهد کرد، و رجوع کرده، تو را از میان جمیع امت‌هایی که یهوه، خدایت، تو را به آنجا پراکنده کرده است، جمع خواهد نمود. ۴ اگر آوارگی تو تا کران آسمان بشود، یهوه، خدایت، تو را از آنجا جمع خواهد کرد و تو را از آنجا خواهد آورد. ۵ و یهوه، خدایت، تو را به زمینی که پدران مالک آن بودند خواهد آورد، و مالک آن خواهی شد، و بر تو احسان نموده، تو را بیشتر از پدران تو خواهد افزود. ۶ و یهوه خدایت دل تو و دل نسل تو را مختون

۱۹ «و مبادا چون سخنان این لعنت را بشنود در دلش خویشتن را برکت داده، گوید: هر چند در سختی دل خود سلوک می‌نمایم تا سیراب و تشنه را با هم هلاک سازم، مرا صلح خواهد بود. ۲۰ خداوند او را نخواهد آرزید، بلکه در آن وقت خشم و غیرت خداوند بر آن شخص دودافشان خواهد شد، و تمامی لعنتی که در این کتاب مکتوب است، بر آن کس نازل خواهد شد، و خداوند نام او را از زیر آسمان محو خواهد ساخت. ۲۱ و خداوند او را از جمیع اسباط اسرائیل برای بدی جدا خواهد ساخت، موافق جمیع لعنتهای عهدی که در این طومار شریعت مکتوب است. ۲۲ و طبقهٔ آینده یعنی فرزندان شما که بعد از شما خواهند برخاست، و غریبانی که از زمین دور می‌آیند، خواهند گفت، هنگامی که بلایای این زمین و بیماریهایی را که خداوند به آن می‌رساند ببینند، ۲۳ و تمامی زمین آن را که کبریت و شوره و آتش شده، نه کاشته می‌شود و نه حاصل می‌روید و هیچ علف در آن نمو نمی‌کند و مثل انقلاب سدوم و عموره و آدمه و صبوئیم که خداوند در غضب و خشم خود آنها را واژگون ساخت، گشته است؛ ۲۴ پس جمیع امت‌ها خواهند گفت: چرا خداوند با این زمین چنین کرده است و شدت این خشم عظیم از چه سبب است؟ ۲۵ آنگاه خواهند گفت: از این جهت که عهد یهوه خدای پدران خود را که به وقت بیرون آوردن ایشان از زمین مصر با ایشان بسته بود، ترک کردند، ۲۶ و رفته، خدایان غیر را عبادت نموده، به آنها سجده کردند، خدایانی را که نشناخته بودند و قسمت ایشان نساخته بود.

خدای خود را دوست بداری و در طریقه‌های او رفتار نمایی، و اوامر و فرایض و احکام او را نگاه داری تا زنده مانده، افزوده شوی، و تا یهوه، خدایت، تو را در زمینی که برای تصرفش به آن داخل می‌شوی، برکت دهد.^{۱۷} اما اگر دل تو برگردد و اطاعت‌نمایی و فریفته شده، خدایان غیر را سجده و عبادت نمایی،^{۱۸} پس امروز به شما اطلاع می‌دهم که البته هلاک خواهید شد، و در زمینی که از اردن عبور می‌کنید تا در آن داخل شده، تصرف نمایید، عمر طویل نخواهید داشت.^{۱۹} امروز آسمان و زمین را بر شما شاهد می‌آورم که حیات و مرگ و برکت و لعنت را پیش روی تو گذاشتم؛ پس حیات را برگزین تا تو با نسلت زنده بمانی.^{۲۰} و تا یهوه خدای خود را دوست بداری و آواز او را بشنوی و به او ملصق شوی، زیرا که او حیات تو و درازی عمر توست تا در زمینی که خداوند برای پدران، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورد که آن را به ایشان بدهد، ساکن شوی.»

یوشع، جانشین موسی

۳۱ و موسی رفته، این سخنان را به تمامی اسرائیل بیان کرد،^۲ و به ایشان گفت: «من امروز صد و بیست ساله هستم و دیگر طاقت خروج و دخول ندارم، و خداوند به من گفته است که از این اردن عبور نخواهی کرد.^۳ یهوه خدای تو، خود به حضور تو عبور خواهد کرد، و او این امت‌ها را از حضور تو هلاک خواهد ساخت، تا آنها را به تصرف آوری، و یوشع نیز پیش روی تو عبور خواهد

خواهد ساخت تا یهوه خدایت را به تمامی دل و تمامی جان خود دوست داشته، زنده بمانی.^۷ و یهوه خدایت جمیع این لعنتها را بر دشمنان و بر دشمنانت که تو را آزرندند، نازل خواهد گردانید.^۸ و تو بازگشت نموده، قول خداوند را اطاعت خواهی کرد، و جمیع اوامر او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم، به جا خواهی آورد.^۹ و یهوه، خدایت، تو را در تمامی اعمال دست و در میوه بطنت و نتایج چهار پایانت و محصول زمینت به نیکویی خواهد افزود، زیرا خداوند بار دیگر بر تو برای نیکویی شادی خواهد کرد، چنانکه بر پدران تو شادی نمود،^{۱۰} اگر آواز یهوه خدای خود را اطاعت نموده، اوامر و فرایض او را که در طومار این شریعت مکتوب است، نگاه داری، و به سوی یهوه، خدای خود، با تمامی دل و تمامی جان بازگشت نمایی.

حیات و موت

۱۱ «زیرا این حکمی که من امروز به تو امر می‌فرمایم، برای تو مشکل نیست و از تو دور نیست.^{۱۲} نه در آسمان است تا بگویی کیست که به آسمان برای ما صعود کرده، آن را نزد ما بیاورد و آن را به ما بشنوند تا به عمل آوریم؛^{۱۳} و نه آن طرف دریا که بگویی کیست که برای ما به آنطرف دریا عبور کرده، آن را نزد ما بیاورد و به ما بشنوند تا به عمل آوریم.^{۱۴} بلکه این کلام، بسیار نزدیک توست و در دهان و دل توست تا آن را به جا آوری.^{۱۵} «ببین امروز حیات و نیکویی و مرگ و بدی را پیش روی تو گذاشتم. چونکه من امروز تو را امر می‌فرمایم که یهوه

دروازه‌های تو باشند جمع کن تا بشنوند، و تعلیم یافته، از یهوه خدای شما بترسند و به عمل نمودن جمیع سخنان این تورات هوشیار باشند. ۱۳ و تا پسران ایشان که ندانسته‌اند، بشنوند، و تعلیم یابند، تا مادامی که شما بر زمینی که برای تصرفش از اردن عبور می‌کنید زنده باشید، از یهوه خدای شما بترسند.»

پیشگویی سرکشی اسرائیل

۱۴ و خداوند به موسی گفت: «اینک ایام مردن تو نزدیک است؛ یوشع را طلب نما و در خیمه اجتماع حاضر شوید تا او را وصیت نمایم.» پس موسی و یوشع رفته، در خیمه اجتماع حاضر شدند. ۱۵ و خداوند در ستون ابر در خیمه ظاهر شد و ستون ابر، بر در خیمه ایستاد. ۱۶ و خداوند به موسی گفت: «اینک با پدران خود می‌خوابی؛ و این قوم برخاسته، در پی خدایان بیگانه زمینی که ایشان به آنجا در میان آنها می‌روند، زنا خواهند کرد و مرا ترک کرده، عهدی را که با ایشان بستم، خواهند شکست. ۱۷ و در آن روز، خشم من بر ایشان مشتعل شده، ایشان را ترک خواهم نمود، و روی خود را از ایشان پنهان کرده، تلف خواهند شد، و بدیها و تنگیهای بسیار به ایشان خواهد رسید، به حدی که در آن روز خواهند گفت: آیا این بدیها به ما نرسید از این جهت که خدای ما در میان ما نیست؟ ۱۸ و به سبب تمامی بدی که کرده‌اند که به سوی خدایان غیر برگشته‌اند، من در آن روز البته روی خود را پنهان خواهم کرد. ۱۹ پس الآن این سرود را برای خود بنویسید و تو آن را به بنی اسرائیل تعلیم داده،

نمود چنانکه خداوند گفته است. ۴ و خداوند چنانکه به سیحون و عوج، دو پادشاه اموریان، که هلاک ساخت و به زمین ایشان عمل نمود، به اینها نیز رفتار خواهد کرد. ۵ پس چون خداوند ایشان را به دست شما تسلیم کند، شما با ایشان موافق تمامی حکمی که به شما امر فرمودم، رفتار نمایید. ۶ قوی و دلیر باشید و از ایشان ترسان و هراسان مباشید، زیرا یهوه، خدایت، خود با تو می‌رود و تو را و انخواهد گذاشت و ترک نخواهد نمود.»

۷ و موسی یوشع را خوانده، در نظر تمامی اسرائیل به او گفت: «قوی و دلیر باش زیرا که تو با این قوم به زمینی که خداوند برای پدران ایشان قسم خورد که به ایشان بدهد داخل خواهی شد، و تو آن را برای ایشان تقسیم خواهی نمود. ۸ و خداوند خود پیش روی تو می‌رود. او با تو خواهد بود و تو را و انخواهد گذاشت و ترک نخواهد نمود. پس ترسان و هراسان مباش.»

قرائت تورات

۹ و موسی این تورات را نوشته، آن را به بنی لاوی کهنه که تابوت عهد خداوند را برمی‌داشتند و به جمیع مشایخ اسرائیل سپرد. ۱۰ و موسی ایشان را امر فرموده، گفت: «که در آخر هر هفت سال، در وقت معین سال انفکاک در عید خیمه‌ها، ۱۱ چون جمیع اسرائیل بیابند تا به حضور یهوه خدای تو در مکانی که او برگزیند حاضر شوند، آنگاه این تورات را پیش جمیع اسرائیل در سمع ایشان بخوان. ۱۲ قوم را از مردان و زنان و اطفال و غریبانی که در

اسباط و سروران خود را نزد من جمع کنید تا این سخنان را در گوش ایشان بگویم، و آسمان و زمین را بر ایشان شاهد بگیرم. ^{۲۹} زیرا می دانم که بعد از وفات من، خویشتن را بالکل فاسد گردانیده، از طریقی که به شما امر فرمودم خواهید برگشت، و در روزهای آخر بدی بر شما عارض خواهد شد، زیرا که آنچه در نظر خداوند بد است خواهید کرد، و از اعمال دست خود، خشم خداوند را به هیجان خواهید آورد.»

^{۳۰} پس موسی کلمات این سرود را در گوش تمامی جماعت اسرائیل تماماً گفت:

سرود موسی

ای آسمان گوش بگیر تا بگویم.

۳۲

و زمین سخنان دهانم را بشنود.

^۲ تعلیم من مثل باران خواهد بارید، و کلام من مثل شبنم خواهد ریخت. مثل قطره های باران بر سبزه تازه، و مثل بارشها بر گیاهان.

^۳ زیرا که نام یهوه را ندا خواهم کرد. خدای ما را به عظمت وصف نمایید.

^۴ او صخره است و اعمال او کامل. زیرا همه طریقهای او انصاف است. خدای امین و از ظلم میرا. عادل و راست است او.

^۵ ایشان خود را فاسد نموده، فرزندان او

نیستند بلکه عیب ایشانند. طبقه کج و متمدند.

^۶ آیا خداوند را چنین مکافات می دهید، ای قوم احمق و غیر حکیم؟ آیا او پدر و مالک تو نیست؟ او تو را آفرید و استوار نمود.

^۷ ایام قدیم را به یاد آور؛ در سالهای دهر به دهر تأمل نما. از پدر خود پسر تا تو را آگاه

آن را در دهان ایشان بگذار تا این سرود برای من بر بنی اسرائیل شاهد باشد. ^{۲۰} زیرا چون ایشان را به زمینی که برای پدران ایشان قسم خورده بودم که به شیر و شهد جاری است، درآورده باشم، و چون ایشان خورده، و سیر شده، و فربه گشته باشند، آنگاه ایشان به سوی خدایان غیر برگشته، آنها را عبادت خواهند نمود، و مرا اهانت کرده، عهد مرا خواهند شکست. ^{۲۱} و چون بدیها و تنگیهای بسیار بر ایشان عارض شده باشد، آنگاه این سرود مثل شاهد پیش روی ایشان شهادت خواهد داد، زیرا که از دهان نسل ایشان فراموش نخواهد شد، زیرا خیالات ایشان را نیز که امروز دارند می دانم، قبل از آن که ایشان را به زمینی که درباره آن قسم خوردم، درآورم.» ^{۲۲} پس موسی این سرود را در همان روز نوشته، به بنی اسرائیل تعلیم داد.

^{۲۳} و یوشع پسر نون را وصیت نموده، گفت: «قوی و دلیر باش زیرا که تو بنی اسرائیل را به زمینی که برای ایشان قسم خوردم داخل خواهی ساخت، و من با تو خواهم بود.»

^{۲۴} و واقع شد که چون موسی نوشتن کلمات این تورات را در کتاب، تماماً به انجام رسانید، ^{۲۵} موسی به لایوانی که تابوت عهد خداوند را برمی داشتند وصیت کرده، گفت: ^{۲۶} «این کتاب تورات را بگیرد و آن را در پهلوی تابوت عهد یهوه، خدای خود، بگذارد تا در آنجا برای شما شاهد باشد. ^{۲۷} زیرا که من ترمرد و گردن کشی شما را می دانم. اینک امروز که من هنوز با شما زنده هستم بر خداوند فتنه انگیزخته اید، پس چند مرتبه زیاده بعد از وفات من. ^{۲۸} جمیع مشایخ

- سازد، و از مشایخ خویش تا تو را اطلاع دهند.
- ۸ چون حضرت اعلیٰ به امت‌ها نصیب ایشان را داد و بنی آدم را منتشر ساخت، آنگاه حدود امت‌ها را قرار داد، برحسب شماره بنی اسرائیل.
- ۹ زیرا که نصیب یهوه قوم وی است، و یعقوب قرعه میراث اوست.
- ۱۰ او را در زمین ویران یافت، و در بیابان خراب و هولناک. او را احاطه کرده، منظور داشت و او را مثل مردمک چشم خود محافظت نمود.
- ۱۱ مثل عقابی که آشیانه خود را حرکت دهد و بچه‌های خود را فرو گیرد و بالهای خود را پهن کرده، آنها را بردارد و آنها را بر پرهای خود ببرد.
- ۱۲ همچنین خداوند تنها او را رهبری نمود و هیچ خدای بیگانه با وی نبود.
- ۱۳ او را بر بلندبهای زمین سوار کرد تا از محصولات زمین بخورد و شاهد را از صخره به او داد تا مکید و روغن را از سنگ خارا.
- ۱۴ کره گاوان و شیر گوسفندان را با پیه پردها و قوچها را از جنس باشان و بزها و پیه گردهای گندم را؛ و شراب از عصیر انگور نوشیدی.
- ۱۵ اما یسورون فربه شده، لگد زد. تو فربه و تنومند و چاق شده‌ای. پس خدایی را که او را آفریده بود، ترک کرد. و صخره نجات خود را حقیر شمرد.
- ۱۶ او را به خدایان غریب به غیرت آوردند و خشم او را به مکروهات جنبش دادند.
- ۱۷ برای دیوهایی که خدایان نبودند، قربانی گذرانیدند، برای خدایانی که نشناخته بودند، برای خدایان جدید که تازه به وجود آمده، و پدران ایشان از آنها نترسیده بودند.
- ۱۸ و به صخره‌ای که تو را تولید نمود، اعتنا ننمودی، و خدای آفریننده خود را فراموش کردی.
- ۱۹ چون یهوه این را دید ایشان را مکروه داشت. چونکه پسران و دخترانش خشم او را به هیجان آوردند.
- ۲۰ پس گفت روی خود را از ایشان خواهم پوشید تا ببینم که عاقبت ایشان چه خواهد بود. زیرا طبقه بسیار گردن‌کشد و فرزندان که امانتی در ایشان نیست.
- ۲۱ ایشان مرا به آنچه خدا نیست به غیرت آوردند و به باطل خود مرا خشمناک گردانیدند. و من ایشان را به آنچه قوم نیست به غیرت خواهم آورد و به امت باطل، ایشان را خشمناک خواهم ساخت.
- ۲۲ زیرا آتشی در غضب من افروخته شده و تا هاویه پایین‌ترین شعله‌ور شده است و زمین را با حاصلش می‌سوزاند و اساس کوه‌ها را آتش خواهد زد.
- ۲۳ بر ایشان بلایا را جمع خواهم کرد و تیره‌های خود را تماماً بر ایشان صرف خواهم نمود.
- ۲۴ از گرسنگی کاهیده، و از آتش تب، و از وبای تلخ تلف می‌شوند و دندانهای وحوش را به ایشان خواهم فرستاد، با زهر خزندگان زمین.
- ۲۵ شمشیر از بیرون و وحشت از اندرون،

نزدیک است و قضای ایشان می‌شتابد.
 ۳۶ زیرا خداوند، قوم خود را داوری خواهد نمود و بر بندگان خویش شفقت خواهد کرد.
 چون می‌بیند که قوت ایشان نابود شده، و هیچکس چه غلام و چه آزاد باقی نیست.
 ۳۷ و خواهد گفت: خدایان ایشان کجایند، صخره‌ای که بر آن اعتماد می‌داشتند؟
 ۳۸ که پیه قربانی‌های ایشان را می‌خوردند و شراب هدایای ریختنی ایشان را می‌نوشیدند؟ آنها برخاسته، شما را امداد کنند و برای شما ملجأ باشند!
 ۳۹ الآن ببینید که من خود، او هستم. و با من خدای دیگری نیست. من می‌رانم و زنده می‌کنم. مجروح می‌کنم و شفا می‌دهم. و از دست من رهاننده‌ای نیست.
 ۴۰ زیرا که دست خود را به آسمان برمی‌افرازم، و می‌گویم که من تا ابدالآباد زنده هستم.
 ۴۱ اگر شمشیرِ براق خود را تیز کنم و قصاص را به دست خود بگیرم. آنگاه از دشمنان خود انتقام خواهم کشید. و به دشمنان خود مکافات خواهم رسانید.
 ۴۲ تیرهای خود را از خون مست خواهم ساخت. و شمشیر من گوشت را خواهد خورد. از خون کشتگان و اسیران، با رؤسای سروران دشمن.
 ۴۳ ای امت‌ها با قوم او آواز شادمانی دهید. زیرا انتقام خون بندگان خود را گرفته است و از دشمنان خود انتقام کشیده و برای زمین خود و قوم خویش کفاره نموده است.

ایشان را بی‌اولاد خواهد ساخت. هم جوان و هم دوشیزه را. شیرخواره را با ریش سفید هلاک خواهد کرد.
 ۲۶ می‌گفتم ایشان را پراکنده کنم و ذکر ایشان را از میان مردم، باطل سازم.
 ۲۷ اگر از کینه دشمن نمی‌ترسیدم که مبادا مخالفان ایشان برعکس آن فکر کنند، و بگویند دست ما بلند شده، و بیهوده همه این را نکرده است.
 ۲۸ زیرا که ایشان قوم گم کرده تدبیر هستند، و در ایشان بصیرتی نیست.
 ۲۹ کاش که حکیم بوده، این را می‌فهمیدید و در عاقبت خود تأمل می‌نمودند. ۳۰ چگونه یک نفر هزار را تعاقب می‌کرد و دو نفر ده هزار را مغلوب می‌ساختند. اگر صخره ایشان، ایشان را نفروخته. و خداوند، ایشان را تسلیم ننموده بود.
 ۳۱ زیرا که صخره ایشان مثل صخره ما نیست. اگرچه هم دشمنان ما خود، حکم باشند.
 ۳۲ زیرا که مؤ ایشان از موهای سدوم است، و از تاکستانهای عموره. انگورهای ایشان انگورهای حنظل است، و خوشه‌های ایشان تلخ است.
 ۳۳ شراب ایشان زهر اژدرهاست و سم قاتل افعی.
 ۳۴ آیا این نزد من مکنون نیست و در خزانه‌های من مختوم نی؟
 ۳۵ انتقام و جزا از آن من است، هنگامی که پایهای ایشان بلغزد، زیرا که روز هلاکت ایشان

برکت داد،^۲ گفت: «یَهُوَه از سینا آمد، و از سعیر بر ایشان طلوع نمود و از کوه فاران درخشان گردید و با کورورهای مقدسین آمد، و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد.^۳ به درستی که قوم خود را دوست می‌دارد و جمیع مقدسانش در دست تو هستند و نزد پایهای تو نشسته، هر یکی از کلام تو بهره‌مند می‌شوند.^۴ موسی برای ما شریعتی امر فرمود که میراث جماعت یعقوب است.^۵ و او در پیشورون پادشاه بود، هنگامی که رؤسای قوم اسباط اسرائیل با هم جمع شدند.^۶ رؤبیین زنده بماند و نمیرد و مردان او در شماره کم نباشند.»

^۷ و این است دربارهٔ یهودا که گفت: «ای خداوند آواز یهودا را بشنو، و او را به قوم خودش برسان. به دستهای خود برای خویشتن جنگ می‌کند و تو از دشمنانش معاون می‌باشی.»

^۸ و دربارهٔ لاوی گفت: «تمیم و اوریم تو نزد مرد مقدس توسست که او را در مسّا امتحان نمودی. و با او نزد آب مریبا منازعت کردی.^۹ که دربارهٔ پدر و مادر خود گفت که ایشان را ندیده‌ام و برادران خود را نشناخت. و پسران خود را ندانست. زیرا که کلام تو را نگاه می‌داشتند و عهد تو را محافظت می‌نمودند.^{۱۰} احکام تو را به یعقوب تعلیم خواهند داد و شریعت تو را به اسرائیل. بخور به حضور تو خواهند آورد و قربانی‌های سوختنی بر مذبح تو.^{۱۱} ای خداوند اموال او را برکت بده، و اعمال دستهای او را قبول فرما. کمرهای مقاومت کنندگانش را بشکن.

کمرهای دشمنان او را که دیگر برنخیزند.»^{۱۲} و دربارهٔ بنیامین گفت: «حبیب خداوند

^{۴۴} و موسی آمده، تمامی سخنان این سرود را به سمع قوم رسانید، او و یوشع پسر نون.^{۴۵} و چون موسی از گفتن همهٔ این سخنان به تمامی اسرئیل فارغ شد،^{۴۶} به ایشان گفت: «دل خود را به همهٔ سخنانی که من امروز به شما شهادت می‌دهم، مشغول سازید، تا فرزندان خود را حکم دهید که متوجه شده، تمامی کلمات این تورات را به عمل آورند.^{۴۷} زیرا که این برای شما امر باطل نیست، بلکه حیات شماس، و به واسطهٔ این امر، عمر خود را در زمینی که شما برای تصرفش از اردن به آنجا عبور می‌کنید، طویل خواهید ساخت.»

اخبار رحلت موسی

^{۴۸} و خداوند در همان روز، موسی را خطاب کرده، گفت: ^{۴۹} «به این کوه عباریم یعنی کوه نبو که در زمین موآب در مقابل اریحاست برآی، و زمین کنعان را که من آن را به بنی اسرائیل به ملکیت می‌دهم، ملاحظه کن.^{۵۰} و تو در کوهی که به آن برمی‌آیی وفات کرده، به قوم خود ملحق شو، چنانکه برادرت هارون در کوه هور مرد و به قوم خود ملحق شد.^{۵۱} زیرا که شما در میان بنی اسرائیل نزد آب مریبا قادتش در بیابان سین به من تقصیر نمودید، چون که مرا در میان بنی اسرائیل تقدیس نکردید.^{۵۲} پس زمین را پیش روی خود خواهی دید، اما به آنجا به زمینی که به بنی اسرائیل می‌دهم، داخل نخواهی شد.»

دعای برکت موسی

و این است برکتی که موسی، مرد خدا، قبل از وفاتش به بنی اسرائیل

۲۳ و دربارهٔ نفتالی گفت: «ای نفتالی از رضامندی خداوند سیر شو. و از برکت او مملو گردیده، مغرب و جنوب را به تصرف آور.»

۲۴ و دربارهٔ اشیر گفت: «اشیر از فرزندان مبارک شود، و نزد برادران خود مقبول شده، پای خود را به روغن فرو برد. ۲۵ نعلین تو از آهن و برنج است، و مثل روزهایت همچنان قوت تو خواهد بود. ۲۶ ای پیشورون مثل خداکسی نیست، که برای مدد تو بر آسمانها سوار شود و در کبریای خود برافلاک.

۲۷ «خدای ازلی مسکن توست و در زیر تو بازوهای جاودانی است؛ و دشمن را از حضور تو اخراج کرده، می گوید هلاک کن. ۲۸ پس اسرائیل در امنیت ساکن خواهد شد، و چشمهٔ یعقوب به تنهایی، در زمینی که پر از غله و شیره باشد و آسمان آن شبنم می ریزد. ۲۹ خوشابه حال تو ای اسرائیل! کیست مانند تو، ای قومی که از خداوند نجات یافته‌اید! که او سپر نصرت تو و شمشیر جاه توست؛ و دشمنانت مطیع تو خواهند شد. و تو بلندیهای ایشان را پایمال خواهی نمود.»

رحلت موسی، مرد خدا

۳۴ و موسی از عربات موآب، به کوه نیو، بر قلّهٔ فسججه که در مقابل اریحاست برآمد، و خداوند تمامی زمین را، از جلعاد تا دان، به او نشان داد. ۲ و تمامی نفتالی و زمین افرایم و منسی و تمامی زمین یهودا را تا دریای مغربی. ۳ و جنوب را و میدان درهٔ اریحا را که شهر نخلستان است تا صوغر. ۴ و خداوند

نزد وی ایمن ساکن می شود. تمامی روز او را مستور می سازد و در میان کتفهای ساکن می شود. ۱۳ و دربارهٔ یوسف گفت: «زمینش از خداوند مبارک باد، از نفایس آسمان و از شبنم، و از لجه‌ها که در زیرش مقیم است؛ ۱۴ از نفایس محصولات آفتاب و از نفایس گیاهان ماه؛ ۱۵ از فخرهای کوه‌های قدیم، و از نفایس تلهای جاودانی. ۱۶ از نفایس زمین و پری آن، و از رضامندی او که در بوته ساکن بود. برکت بر سر یوسف برسد و بر فرق سر آنکه از برادران خود ممتاز گردید. ۱۷ جاه او مثل نخست زادهٔ گاوش باشد و شاخهایش مثل شاخهای گاو وحشی. با آنها امت‌ها را جمعاً تا به اقصای زمین خواهد زد. و اینانند ده‌هزارهای افرایم و هزارهای منسی.»

۱۸ و دربارهٔ زبولون گفت: «ای زبولون در بیرون رفتن شاد باش، و تو ای یساکار در خیمه‌های خویش. ۱۹ قومها را به کوه دعوت خواهند نمود. در آنجا قربانی‌های عدالت را خواهند گذرانید. زیرا که فراوانی دریا را خواهند مکید و خزانه‌های مخفی ریگ را.»

۲۰ و دربارهٔ جاد گفت: «مبارک باد آنکه جاد را وسیع گرداند. مثل شیرماده ساکن باشد، و بازو و فرق را نیز می درد،

۲۱ و سهم بهترین را برای خود نگاه دارد، زیرا که در آنجا نصیب حاکم محفوظ است و با رؤسای قوم می آید و عدالت خداوند و احکامش را با اسرائیل به جا می آورد.»

۲۲ و دربارهٔ دان گفت: «دان بچهٔ شیر است که از باشان می جهد.»

وی را گفت: «این است زمینی که برای ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورده، گفتم که این را به نسل تو خواهم داد، تو را اجازت دادم که به چشم خود آن را ببینی اما به آنجا عبور نخواهی کرد.»^۵ پس موسی بنده خداوند در آنجا به زمین موآب برحسب قول خداوند مرد.^۶ و او را در زمین موآب در مقابل بیت فعیور، در دره دفن کرد، و احدی قبر او را تا امروز ندانسته است.

^۷ و موسی چون وفات یافت، صد و بیست سال داشت، و نه چشمش تار، و نه قوتش کم شده بود.^۸ و بنی اسرائیل برای موسی در عربات موآب سی روز ماتم گرفتند. پس روزهای ماتم و نوحه گری برای موسی سپری گشت.

^۹ و یوشع پسر نون از روح حکمت مملو بود، چونکه موسی دستهای خود را بر او نهاده بود. و بنی اسرائیل او را اطاعت نمودند، و برحسب آنچه خداوند به موسی امر فرموده بود، عمل کردند.

^{۱۰} و نبی ای مثل موسی تا بحال در اسرائیل برنخاسته است که خداوند او را روبرو شناخته باشد،^{۱۱} در جمیع آیات و معجزاتی که خداوند او را فرستاد تا آنها را در زمین مصر به فرعون و جمیع بندگان و تمامی زمینش بنماید،^{۱۲} و در تمامی دست قوی، و جمیع آن هیبت عظیم که موسی در نظر همه اسرائیل نمود.